

اعلامیه حزب حکمتیست

۶۵۲



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-Communist Party of Iran
Hekmatist

۱۷ ژوئن ۱۴۰۱ - ۲۷ خرداد ۲۰۲۲

جنایت کارخانه کربنات سدیم فیروز آباد

صفحه ۲

خرداد ۶۰، دادگاه لازم نیست، درجا بکشید!
سخنان سران جمهوری اسلامی درباره نسل کشی ۳۰ خرداد
سال ۶۰

صفحه ۳

حسین مرادیگی

تحولات سیاسی ایران، کشمکش بر سر قدرت سیاسی!

بخش دوم

صفحه ۵

رحمان حسین زاده

سلطنت طلبی جنبشی ارتجاعی برای انتقام از توده ها

صفحه ۶

جاوید حکیمی

شکست مفتضحانه سیاست انتقال پناهجویان به رواندا

خطر انتقال بطور کامل بر طرف نشده

صفحه ۷

سعید آرمان

یادداشت ها،

سیاوش دانشور

فرشگرد، پلاتفرم آنتی کمونیسم!

صفحه ۹

متن سخنرانی نادر شریفی

دبیرتشیلات خارج حزب

حکمتیست مقابل کنسولگری

جمهوری اسلامی

صفحه ۱۳

ستون اخبار مبارزات کارگری و

اعتراضات اجتماعی

تنظیم: سپیده امیر عسگری، آرش کلهر

صفحه ۱۵

دو اعلامیه از شورای همکاری

نیروهای چپ و کمونیست

صفحات ۴ و ۱۴

فرهنگیان و معلمان درود بر

رزمستان

اعتراض سراسری معلمان و فرهنگیان دیروز ۲۶ خرداد با وجود جو بسیار سنگین امنیتی و گسیل نیروهای سرکوب به محل تجمعات، در بسیاری از شهرها توسط معلمان و فرهنگیان وسیعا و با جسارت برگزار شد.

با وجود دستگیری های وسیع، احضار فعالین و تهدید معلمان در روزهای قبل از برگزاری اعتراض در روز ۲۶ خرداد(از جمله در شهرهای کردستان بیست نفر از فعالین صنفی را احضار و تهدید کرده بودند) اما همانطور که معلمان و فرهنگیان وعده داده بودند، که "می آئیم و همه می آئیم"، طوفان به پا کردند. معلمان با حضور گسترده و سراسری و با جسارت بار دیگر مشت محکمی بر دهان سران رژیم کوبیدند و نشان دادند که دستگیری و ارباب و فشار نمی تواند عزم و اراده آنان را در مبارزه برای آزادی و رفاه و عدالت و رهایی همکاران در بندشان راست کند.

معلمان و فرهنگیان در این اعتراضات صدای بلند شعارهای "معلم زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، معلم می میرد ذلت نمی پذیرد، معلم به پا خیز برای رفع تبعیض" در شهرهای بسیاری طنین انداز شد و رژیم جمهوری اسلامی را به مصاف طلبیدند.

امروز نه تنها معلمان و کارگران، که همه اقشار جامعه به این قناعت

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

فرهنگیان و معلمان درود بر رزمتان

رسیده اند و ابهامی ندارند که مطالبه گری و خواست آزادی و رفاه در کف خیابان، در فشار بر جمهوری اسلامی و کوتاه نیامدن در مقابل دستگاههای سرکوب رژیم اسلامی ممکن و میسر است.

اعتراض و تجمع معلمان، با این همه جسارت و از گذشتگی را باید ارج نهاد و مورد حمایت و پشتیبانی قرار داد. ما وظیفه داریم که با تمام توان از جنبش بر حق معلمان برای آزادی و برابری و رفاه حمایت کنیم. پیروزی قطعی معلمان در این مبارزه لازمه حمایت سایر جنبشهای اجتماعی از مبارزه بر حق آنان است. معلمان را تنها نگذاریم. دست رژیم و نیروهای سرکوب را از سر معلمان و فعالین سیاسی کوتاه کنیم. در پایان تجمعات اعتراضی سراسری و گسترده دیروز، بیش از ۱۰۰ مورد دستگیری و بازداشت فرهنگیان و معلمان گزارش شده است. رژیم درمانده جمهوری اسلامی با چنین اقدامات سرکوبگرانه ای نمیتواند در مقابل موج طوفانی اعتراضات جاری سدی ایجاد کند، همچنانکه تا بحال نتوانسته است. به علاوه اراده ما و جنبش آزادیخواهانه و سرنگونی طلبانه کنونی را برای آزادی معلمان و همه زندانیان سیاسی و پایان دادن به حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی قویتر میکند کارگران، معلمان، بازنشستگان و همه اقشار زحمتکش باید قویتر، متحدتر، بر خیزید و آینده را به نفع خود بسازید.

درود بر رزمتان

سر دبیر

#همدان

اعتراضات سراسری معلمان

۲۶ خرداد ۱۴۰۱



اعلامیه حزب حکمتیست

جنایت کارخانه کربنات سدیم فیروز آباد

هنوز خون کارگران در جنایت متروپل در لای سنگ و آهن و ذهن ما خشک نشده که سرمایه داران در فیروز آباد فارس جنایتی دیگر آفرینند. انفجار یکی از مخازن آمونیاک در کارخانه کربنات سدیم فیروز آباد و نشت شدید دیگر مخازن، برای کارگران این کارخانه به آشوب تبدیل شد. حکومت بشدت از درز اخبار دقیق جلوگیری میکند و تاکنون اخبار نزدیک تر به حقیقت از ۱۳۵ مصدوم و سوخته و در حال خفگی خبر میدهند. ادعا میشود این جنایت سرمایه تاکنون فوتی نداشته است اما کارگران و افراد شاغل در بیمارستانهای استان فارس از ده ها کارگر جانباخته سخن میگویند. آماري که هنوز مقامات رژیم آنرا تأیید نکرده اند از کشته شدن بالای هفتاد کارگر سخن میگوید. ظاهراً بیشتر کارگران دورتر از محل انفجار بودند اما پرسنل بیمارستان شیراز از جنازه های یخ زده ای سخن میگویند که از فیروز آباد به شیراز منتقل شده اند.

این رویداد تراژیک یک «حادثه» نیست، آنطور که سرمایه داران و رسانه ها بیان می کنند، این یک جنایت سرمایه علیه کارگران در محل ناامن کار است. این سرمایه داران حریص و وحشی و پول پرست هستند که به دلیل عدم تأمین سیستمهای ایمنی محیط کار هر روز کارگران را به قتلگاه میفرستند و هر روز جنایتی جدید خلق می کنند. این قتل عمد سرمایه علیه کارگر است که هر روز جریان دارد. این ادامه جنگ نظم ننگین سرمایه داری علیه طبقه کارگر و مردم محروم است که قربانیانش کمتر از جنگهای گرم و اعلام شده نیست. تفاوت اینست که جنایتکاران در معیت قانون و پلیس راست راست راه میروند و فرهنگ و سیاست مسلط جنایت شان را بعنوان «سوانح محیط کار» فرموله و به خورد مردم میدهد.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست همدرد و همراه خانواده ها و کارگران این کارخانه و طبقه کارگر ایران، انفجار کارخانه آمونیاک را یک جنایت سرمایه داران علیه کارگران میدانند. اگر بدست ما و طبقه کارگر بود تک تک مسببین چنین رویداد دلخراشی را محاکمه و محکوم میکردیم و اصولاً اجازه نمیدادیم که کارگران به محیط کاری بروند که با کمترین مخاطرات روبرو شوند. ما با خانواده ها و همکاران این عزیزان ابراز همدردی میکنیم و امیدواریم که مصدومین این حادثه بتوانند از این بحران و مسمومیت خطرناک عبور کنند و سلامتی شان را بازیابند. ما کارگران و مردم آزادیخواه در شیراز و دیگر شهرهای ایران را به همبستگی و حمایت از قربانیان جنایت فیروز آباد فرامیخوانیم. همه باید یکصدا فریاد زنند که مسبب و بانی جنایت فیروز آباد همان جنایتکاران متروپل، طبقه سرمایه دار و دولت اسلامی شان است. این قاتلین و افعی ها تنها شایسته خلع ید سیاسی و اقتصادی اند. کارگران، باید قویتر بر خیزیم و کارشان را یکسره کنیم!

مرگ بر جمهوری اسلامی

نابود باد سرمایه داری

آزادی، برابری، حکومت کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

مرگ بر جمهوری اسلامی!

خرداد ۶۰

دادگاه لازم نیست، درجا بکشید!

سخنان سران جمهوری اسلامی درباره نسل کشی ۳۰

خرداد سال ۶۰

حسین مرادیگی



میشود". کیهان ۲۹ شهریور سال ۶۰. همین آدمکش ادامه میدهد: "یکی از احکام جمهوری اسلامی این است که هرکس در برابر نظام و امام عادل بایستد کشتن او واجب است، اسیرش را باید کشت و زخمی اش را زخمی تر کرد که کشته شود... این حکم اسلام است. چیزی نیست که ما تازه آورده باشیم". همانجا گیلانی

رئیس دادگاه انقلاب اسلامی چنین میگوید: "اما محارب بعد از دستگیر شدن توبه اش پذیرفته نمیشود و کیفرش همان کیفری است که قرآن بیان میکند. کشتن به شدیدترین وجه، حلق آویز کردن به فضاحت بارترین حالت ممکن و دست راست و چپ آنها بریده شود..... اسلام اجازه میدهد که اینها را که در خیابان تظاهرات مسلحانه میکنند دستگیر شوند و در کنار دیوار همانجا آنها را گلوله بزنند و از نظر اصول فقهی لازم نیست به داگاه بیاورند... اسلام اجازه نمیدهد که بدن مجروح اینگونه افراد باغی به بیمارستان برده شود بلکه باید تمام کشته شود". کیهان ۲۸ شهریور ماه سال ۶۰

سپس در باره پذیرفتن "توبه" چنین میگوید: "پذیرفتن توبه اینها که (در حالت غیر مسلحانه دستگیر شده باشند) خیلی کار مشکلی است. مگر اینکه حاکم شرع علم پیدا کند... و یکی از علامت توبه اینها این است که اسرار و مراکز سازمان و مرکز تسلیحاتی را نشان دهند". همانجا. لاجوردی نیز یکی دیگر از جلادان رژیم آشکارا هدف رژیم را از اعدامهای دسته جمعی فوری چنین بیان میکند: "برای اینکه دیگران از این اعدامها درس عبرت بگیرند و بدانند که اگر در تظاهرات مسلحانه دستگیر بشوند جز اعدام کیفر دیگری نخواهند داشت. خلخالی هم که آنها نگام حزب الله داد میزد: "دادگاههای خلخالی ایجاد باید گردد" میگوید: "البته ما کار خود را کرده ایم و بقول معروف بازنشسته شده ایم. اما بالاخره تابع امر امام هستیم. اگر ایشان بفرمایند بله ما قبول میکنیم. حالا در دادگاهها بد کار نمیکند. البته اگر ضرورت اقتضاء کند طوری که رفقا نتوانند درست تصفیه بکنند یا در تشخیص مثلا اینکه چه کسی مرتد است، چگونه مهدورالدم است دچار تردید شوند ما حاضریم". کیهان ۲۹ شهریور ماه سال ۶۰.

ربانی املشی دادستان کل کشور میگفت: در صورت لزوم باید مانند امام علی روزی چهار هزار نفر از کفار را سر برید. دیگری نیز میگفت که محدودیت سنی و جنسی برای اعدام وجود ندارد. خمینی نیز در هفته جنگ و آغاز سال تحصیلی ۶۰ میگوید: "علیرغم ادعاها و تذکرات گمراه کننده در مورد اولویت جنگ با عراق، بدرستی سرکوب ضد انقلابیون در درجه اول اهمیت قرار داده شده است". خمینی به دانش آموزان اخطار میکند که به هیچگونه مبارزه ای علیه رژیم اسلامی دست نزنند بلکه همکلاسی های خود را به پاسداران و کمیته چی ها لو دهند. در مورد محاکمه انقلابیون و آزادیخواهان نیز دستور میدهد: "بی کم و کاست قرآن کریم را اجرا نمایند". بعدها خمینی که جمهوری اسلامی را تثبیت شده می بیند، در دی ماه ۶۱ چنین میگوید: "اکنون حال آرامش است، حال آنست که مردم نسبت به سرمایه هایشان اطمینان داشته باشند، بیایند و سرمایه هایشان را بکار بیاندازند، نترسند، هیچ احدی حق ندارد به سرمایه هایشان دست بزند، اگر در گذشته با هزار مصیبت یک خانه تیمی میگرفتند، ما همین دیشب ۵۰ خانه تیمی گرفتیم." بعد

رادیو و تلویزیون جیره خوارش را ملامت میکند و

میگوید "چرا چند کلمه میگویند، آنهم بدون تشکر".

از سخنرانی خمینی در آخرین روزهای سال ۵۹ در مورد آزادی زندانیان غیر سیاسی، بقول خمینی کسانی که جرم سیاسی نداشتند، معلوم بود که سران جنایتکار جمهوری اسلامی نسل کشی عظیمی از نیروهای چپ و آزادیخواه و توده کارگر و مردم معترض به جمهوری اسلامی را تدارک میدیدند.

سرانجام در ۳۰ خرداد ۶۰ به فرمان خمینی و وسیله رفسنجانی ها، خامنه ای ها، بهزاد نبوی ها، محتشمی ها، لاجوردی ها، صفوی ها، محسن رضائی ها، محسنی اژه ایها، خلخالی ها، گیلانی ها، ری شهری ها، خوئینی ها و جاریان ها ماشین آدم کشی جمهوری راه افتاد تا یکی از عظیم ترین فجایع تاریخ بشری را سازمان دهند و با آن مردم بحرکت درآمده برای رفاه و آزادی و برابری را به خاک و خون بکشند. کمونیستها، رهبران شوراهای کارگری، فعالین سازمان های سیاسی و مردم مخالف، گروه گروه دستگیر و در دادگاههای صحرایی به اعدام محکوم شدند. هر کس که شکل و شمایلش به چپ شبیه بود، دستگیر میشد و درجا کشته میشد.

از این مقطع به بعد بیش از صد هزار انسان را به جرم آزادیخواهی، به جرم مخالفت با حکومت اسلامی، به جرم تسلیم نشدن به قوانین ارتجاعی اسلامی، به جرم اعتصاب برای بهبود شرایط زندگی، به جرم مبارزه برای رفاه و آزادی با قساوت تیر باران کردند و در ادامه آن حدود سه دهه است که فقر و فلاکت و بیحقوقی را به حدود ۷۰ میلیون انسان آزاده در ایران تحمیل میکنند. ماشین آدمکشی اسلامی راه افتاد، تا یکی از هارترین و جنایتکارترین رژیمهای بورژوائی اواخر قرن بیستم را برای تحمیل بی قوی کامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به مردم ایران شکل دهد.

آنچه که در زیر میخوانید گوشه هائی از این توحش و بربریت بورژوا اسلامی علیه کمونیستها و دیگر انقلابیون و آزادیخواهان را از زبان معماران و سازماندهندگان این نسل کشی در ایران نشان میدهد:

موسوی تبریزی دادستان کل انقلاب در مصاحبه ای بمناسبت هفته جنگ که در تاریخ ۲۸ شهریور ۶۰ در کیهان چاپ شده است میگوید: "میدانید که این هفته هفته جنگ است... همین جنگ نبود، جنگ دیگری هم در داخل بود... در این جنگ (داخلی) ما بیشتر زجر کشیدیم (بیشتر وقت صرف کردیم) تا جنگ با صدام" و ادامه میدهد: "هرکس کوکتل بدست گرفت و در برابر نظام جمهوری اسلامی ایستاد، اینها محاکمه شان توی خیابان است و وقتی دستگیر شدند و به دادستانی رسیدند محاکمه شده اند و حکمشان اعدام است... هرکس در خیابان در درگیری و تظاهرات مسلحانه دستگیر شود بدون معطلی همان شب دونفر پاسدار یا مردم شهادت بدهند که آنها در درگیری بوده اند و علیه نظام جمهوری اسلامی قیام کرده اند کافی است و همان شب اعدام

۶۰ خرداد

دادگاه لازم نیست، درجا بکشید!

سخنان سران جمهوری اسلامی درباره نسل کشی ۳۰ خرداد سال ۶۰

حسین مرادیگی

حکومت آدم کشان اسلامی سرمایه هنوز به حیات ننگین خود ادامه میدهد. اوباش اسلامی هنوز چنگ و دندان نشان میدهد. در این مدت مردم ایران نیز پیکارهای زیادی را علیه جمهوری اسلامی از سر گذارنده اند. جنگی که جمهوری اسلامی حدود سه دهه قبل علیه مردم ایران اعلام کرد همچنان بین ما و مردم و جمهوری اسلامی ادامه دارد. این جنگ را باید ما و مردم ایران با به زیر کشیدن جمهوری اسلامی و به دادگاه سپردن جنایتکاران اسلامی به سرانجام برسانیم. برای این باید سازمان داد. باید مردم را به هم بافت و متحد کرد.

ادیت شده در 20 ژوئن 2008

همراه اینها شبکه وسیعی از وزرا و روسای دادگاههای انقلاب اسلامی، از فرماندهان سپاه و سران اطلاعات گرفته تا شکنجه گران و قمه کشها و موتور سواران حزب الله تا خیل امام جمعه ها تا مجاهدین انقلاب اسلامی و خط امامی های دوآتشه و خاتمی و بهزاد نبوی و محتشمی و جلائی پور و گنجی و باقی و دهها تن دیگر از اوباش اسلامی و دوم خردادیهای سابق، مجریان و مبلغین و مشوقین این مسابقه آدم کشی بودند. پادوهای توده ای و اکثریتی نیز بعنوان مدافعین نظام جمهوری اسلامی، رهبران اعتصابات کارگری و دیگر فعالین سیاسی مخالف حکومت اسلامی را به مجریان این نسل کشی لو میدادند و معرفی میکردند.



در همبستگی با اعتراضات بازنشستگان در خیابان

مدتها است که بازنشستگان هر یکشنبه در شهرهای مختلف علیه تهاجم رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی به سطح معیشت خود اعتراض کرده و برای همسان سازی حقوق و مزایا و علیه تاراج منابع صندوقهای بازنشستگی - که نتیجه کار آنها بوده است - به خیابان می آیند. بازنشستگان همه جا در کنار کارگران، فرهنگیان، خیزشهای اعتراضی برای نان، آزادی و تخریبهای محیط زیستی حضور مداوم داشته و از پیشگامان مبارزه طبقاتی بوده اند. بسیاری از فعالین بازنشستگان نیز به جرم تلاش برای سازمان یابی اعتراضات، همانند اسماعیل گرامی، ژاله روح آزاد و دیگران با احکام سنگین و زندان مواجه شده اند. حضور چشم گیر و فزاینده زنان در اعتراضات بازنشستگان نیز نمادی است از نقش فزاینده زنان زحمتکش در سطوح مختلف اجتماعی، سیاسی و عاملیت آنها برای گسترش اجتماعی جنبش زنان.

فاصله نجومی بین دریافتی بازنشستگان با سطح تورم و افزایش عمومی قیمت ها، زمینهی اعتراضات بازنشستگان برای همسان سازی حقوق و مزایا را افزایش داده و آنها در شهرهای مختلف به خیابان آمده اند. حضور در خیابان و آماج قرار دادن جسورانه جمهوری اسلامی، نشانه ای از جنبشی سیاسی علیه برنامه هایی است که ریشه در نظام سرمایه داری دارد. اپوزیسیون راست که تلاش دارد از جنبشهای اعتراضی نمادی برای کلاه خود بدوزد، با وارونه نمایی زمینهی اعتراضات اجتماعی و طبقاتی بازنشستگان، اما در عمل همین سیاستهای نئولیبرالی را دنبال می کند. ما در "شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست" به همراه دیگر نیروها و گرایشهای کمونیست و انقلابی ضمن همبستگی با اعتراضات بازنشستگان، از کارگران، فرهنگیان و سایر ائتلاف معترض می خواهیم که از مبارزات بازنشستگان حمایت کنند.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

امضاها : سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

آموزش یک حق است نه یک امتیاز!



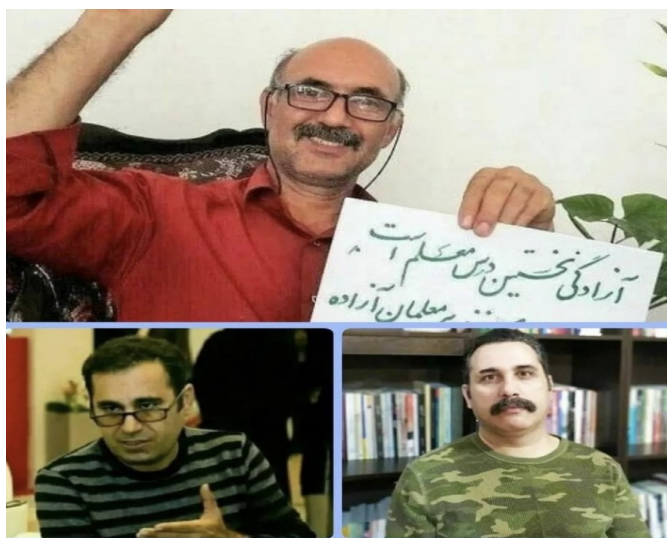
کابوس سران جمهوری اسلامی است. اذعان زبوتانه خامنه ای به وجود "اعتراضات مردمی" به جای لفاظیهای پوچ گذشته اش با عنوان "اعتشاشات" همین واقعیت را منعکس میکند.

ج- بر بستر جنبش سرنگونی، جنبشها و اپوزیسیون بورژوایی راست پرو غرب، اعم از جمهوریخواهی، و یا مشروطه خواهی به منظور حفظ حاکمیت کاپیتالیسم به دنبال سرنگونی

جمهوری اسلامی و برای پس زدن انقلاب کارگران و مردم، بر تلاشهایشان جهت جا انداختن آلترناتیو ضد کارگری و ضد مردمی خود افزوده اند. در نتیجه در جنبش سرنگونی جاری در سطح ماکروی سیاسی ما شاهد حضور و جدال چپ و راست هر کدام با افق و سیاست متمایز و آشتی ناپذیر و امکانات و ابزارهای ویژه شان هستیم. بر خلاف دیدگاه راست و پوپولیستی بخشی از نیروهای چپ حرکت " همه با همی و تامین رهبری واحد و همه با همی" میان قطب راست و چپ نه تنها ممکن نیست، بلکه به شدت مضر و ضد کارگری و نامطلوب است.

در نتیجه، جابجایی قدرت سیاسی به معنای حفظ قدرت برای جمهوری اسلامی و کسب قدرت برای چپ و یا راست جامعه مسئله محوری امروز سیاست در ایران است. دوره کنونی، دوره غیر متعارف برای نیروهای درگیر در این کشمکش و برای جنبش کارگری و کمونیستی و برای ما به عنوان حزب کمونیست کارگری، حکم نیست است. با تشخیص مختصات این دوره میتوان و باید چه باید کرد پاسخگوی نیازهای این دوره را مبنای پراتیک اجتماعی و جنبشی و حزبی خود قرار دهیم. چه باید کردی که قطب نمایش باید تامین رهبری کارگری و کمونیستی برای تحولات سرنوشت ساز کنونی باشد. در بخش بعدی بر محورهای چنین چه باید کردی فوکوس میکنیم.

ادامه دارد



تحولات سیاسی ایران، کشمکش بر سر قدرت

سیاسی!

بخش دوم

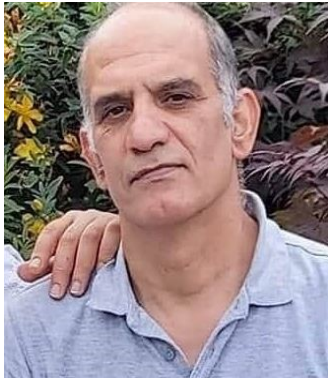
رحمان حسین زاده

سیر تحولات و تلاطمات سیاسی به یک نقطه تمرکز اساسی رسیده است. جدال بر سر قدرت سیاسی برای طرفین درگیر در این سطح از کشمکش طبقاتی و اجتماعی صورت مسئله محوری است. این کشمکش سه طرف اصلی دارد. از یک طرف جمهوری اسلامی ای در تنگنا قرار گرفته، با چنگ و دندان برای حفظ بقاء و قدرت سیاه حاکمه اش در تقلا است. از طرف دیگر جنبش کارگری و کمونیستی و جنبشهای رادیکال گسترش یافته، با شفافیت سرنگونی جمهوری اسلامی را به قطب نمای حرکت خود و در صدر شعارهای خود قرار داده اند. طرف سوم این کشمکش جنبشهای بورژوایی و جریانات راست هستند. ترند و جریاناتی که با تاخیر و نیم بند "برانداز شده" و به "رفتنی بودن جمهوری اسلامی" تن داده اند، اما بیدرنگ به عنوان مدعیان آلترناتیو جمهوری اسلامی خود را معرفی میکنند. در نتیجه کشمکش طبقاتی و سیاسی جاری حول تعیین تکلیف قدرت سیاسی در میان این سه طرف در جریان است. منظورم اینست:

الف: جمهوری اسلامی همیشه نگران بقای حاکمیت خود بوده است. اما هیچ دوره‌ای به این اندازه بی‌حفاظ زیر ضرب مردمی که سرنگونیش را میخواهند، نبوده است. هر دوره علاوه بر سرکوب خشن، حفاظتهایی داشته است. مشخصا در دو دهه اخیر با مانورهای جناحها و حربه اصلاحات و دوم خرداد و سپس با شیبادی "مستضعف پناهی احمدی نژاد" و به دنبال و همزمان با پیدایش ارتجاع "جنبش سبز" و نیرنگهای "اعتدالیون بنفش" همه شان برای حکومت ننگ و جنایات جمهوری اسلامی عمر خریدند. سالها است از نظر اکثریت عظیم مردم جان به لب رسیده، دوران این مانورها به سرآمده است. این پیام را در دی ماه ۹۶ با شعار "اصلاح طلب، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا" دریافت کردند. مشخصا تابستان گذشته در مضحکه برگماری رئیسی قاتل به عنوان "رئیس جمهور" شکست سنگینی را از مردم دریافت کردند. در درون خود حاکمیت هم به قول خودشان با "یکدست کردن" ساختار حکومت، فعلا به بازی جناحی خاتمه دادند.

ب- در مقابل کارگران و مردمی صف کشیده که این حفاظتها و حربه‌های جمهوری اسلامی را کنار زده و سر راست قصد پایین کشیدنش را دارند. رژیم میداند در پس هر اعتراض ولو محدود و با خواست اقتصادی و معیشتی هم موضوع سرنگونی این رژیم خوابیده است. به علاوه جنبشهای اعتراضی جاری علاوه بر خواسته‌های برحق اقتصادی، مدتها است با خواسته‌های سیاسی و تحول بخش خود، اسکلت اصلی جنبش سرنگونی قدرتمند شده را تشکیل میدهند. گسترش جنبش سرنگونی و استمرار آن، به نحوی که در یک ماه و نیم اخیر شاهد آن هستیم

کارگر، معلم بپاخیز، برای رفع تبعیض!



فرصت مناسبی جهت احیاء استبداد آریامهری فراهم کرده است. ضدیت با کارگر و کمونیزم می تواند این جریان حاشیه ای و بی ریشه را همانند طالبان به الترنتیو مطلوب امپریالیست ها بدل نماید.

این ایده که مرزبندی و افشای سلطنت طالبان به مثابه مرتجع ترین شاخه اپوزیسیون بورژوازی به تقویت حکومت اسلامی منتهی

می شود یاهه گویی محض است. حقیقت این است که توده ها، مستقل از اینکه احزاب سیاسی با هم متحد شوند یا خیر، عزم خود را برای سرنگونی حکومت اسلامی جزم کرده اند. دیدگاهی که طغیان علیه وضعیت موجود را حاصل اتحاد احزاب سیاسی چپ و راست می داند نگرشی بورژوازی است و لاجرم به سیادت بورژوازی می انجامد. سرنگونی جمهوری اسلامی برای بورژوازی ابتدا و انتهای کار است، به همین دلیل شعار اصلی او همواره چنین است؛ "امروز فقط اتحاد". پایین و باصطلاح بدنه جنبش سرنگونی نیز از رهبران خود می خواهد بی هیچ مرزبندی ایدئولوژیک و طبقاتی در صفوفی متحد و متفق علیه حکومت اسلامی مبارزه کنند. پوپولیزم در پاسخ به همین ندای "مردم" با تبلیغ سیاست همه با همی و ترویج ایده انقلاب همگانی به ستون پنجم و سیاهی لشکر بورژوازی تبدیل شده و به گواه تاریخ کارگران و کمونست ها را به مسلخ می برد.

برای کارگران و کمونست ها هیچ چیز مهلک تر از این نیست که سیاست وحدت طبقاتی و تز اپوزیسیون، اپوزیسیون نشویم را مبنای عمل خویش قرار دهد. به راستی میان کارگران نفت که عامل اصلی سقوط پهلوی بودند با سلطنت طالبان که خواهان احیاء استبداد هستند چه وحدت عمل و اشتراک منافی می تواند وجود داشته باشد.

سواى آنچه گفته شد، عامل دیگری که افشای بی امان سلطنت طالبان را برای کمونست ها به امری حیاتی و تعطیل ناپذیر تبدیل می کند جبن و زبونی جناح جمهوری خواه بورژوازی ایران است. این شاخه که ظاهراً عقلاى بورژوازی و فرهیختگان این طبقه انگل را در خود جمع کرده است، نه حزب و سازمان قابل اعتنائی ساخته و نه شخصیت های سیاسی جسوری تحویل جامعه داده است. تمام هنر این دلقک های جمهوری در کل حیات سیاسی عبارت بوده از وراجی در خصوص مزایای دموکراسی و لیبرالیسم و جمهوریت و درست سر بزنگاه خزیدن زیر عبای شیخ و شمل شاه.

اکنون نیز پس از تحقیر اشکار کل جمهوری خواهان توسط شاهزاده بی پال و کویال، شش سازمان و حزب جمهوری خواه فرموده اند با حفظ استقلال سازمانی و تشکیلاتی حاضرند در رکاب ایشان "مبارزه" کنند. از جمهوری خواهی که قهرمان ملی اش مصدق السلطنه باشد بیش از این انتظاری نیست.

بدینسان مقابله و افشای بی امان جریان منحن سلطنت طلبی در ایران، فقط و فقط دست کارگران و کمونست ها را می بوسد. این جریان حاشیه ای اما فاشیستی و بشدت تشنه قدرت و انتقام را باید جدی گرفت. سوسیالیسم یا بربریت نتیجه جدال کمونیم با فاشیزم است.

سلطنت طلبی جنبشی ارتجاعی برای انتقام

از توده ها

جاوید حکیمی

گفته معروفی است که فروتنی بیش از حد نوعی ریاست. در سیاست، این نوع فروتنی نشانه عوامفریبی و شیادی است. خمینی زمانی که گفت به من خدمتگزار بگویند نه رهبر، اوج ریاکاری و شارلاتانیزم خود را به نمایش گذاشت. کدام دیکتاتوری را در تاریخ سراغ دارید که ادعا نکرده باشد من شیفته خدمتم نه قدرت. حالا عین این سیاست را جناب رضا پهلوی پیشه خود ساخته است. این جناب در حالی که همچنان به سوگند پادشاهی وفادار مانده، از خرد جمعی حرف می زند و از اینکه نه ادعای رهبری دارد و نه هیچ انگیزه و نفع شخصی.

می فرمایند من فقط هماهنگ کننده ام و اپوزیسیون واقعی مردم در داخل هستند. همان کسی که دیروز با پروژه ققنوس، یک عده متخصص و بیکاره را دور خود جمع کرده بود مبادا مردم، بی دولت و تشکیلات و رهبر بمانند، حالا همپالکی هایش را تار و مار ساخته و خودش به تنهایی شده هماهنگ کننده. کیست که نداند مقصود ایشان از مردم، آن جماعت اندکی است که اینجا و آنجا با هدایت و حمایت عوامل امنیتی و کاملاً بی ربط به اعتراض جمعیت، شعار می دهند رضا شاه روحش شاد. شاهزاده شیاد، مخاطبین را مثل هواداران فحاش و فاشیست خود، گوسفند فرض کرده اند. شگفت آنکه ملایم ترین نقد به این شاهزاده "بی ادعا"، بارانی از رکیک ترین فحاشی و ناسزاها را از جانب شعبان بی مخ های حامی ایشان نصیب منتقد نگون بخت می کند. چپی که لفاظی گری های این شاهزاده شاید در باب خرد جمعی را گواه پیشرفت او می گیرد و او را به کنگره سراسری شوراهای دعوت می کند در بدترین حالت بلاهت سیاسی مافوق تصور خود را آشکار کرده است.

با این همه خطای فاحشی است اگر روحیه و رفتار فاشیست گونه سلطنت طالبان را به سطح نازل فرهنگ و عقب ماندگی سیاسی آنان تقلیل دهیم. واقعیت این است که خاندان انگل پهلوی طی یک برآمد توده ای و با ضربه نهایی طبقه کارگر از هستی ساقط شدند. کینه شتری سلطنت طالبان از توده ها یا به زعم خودشان کوتوله ها، کاملاً سیاسی است و ریشه در همین بر باد رفتن تاج و تخت دارد. رضا پهلوی را نه آنجا که با هم میهنان عزیزش ابراز همدردی می کند، بلکه جایی باید قضاوت کرد که به مردم، نمک شناس می گوید. نکوهش و دشنام به میلیون ها مردمی که در سال پنجاه و هفت با شعار مرگ بر شاه و زنده باد شورا به خیابان آمدند قرار است زمینه ای باشد برای تسویه حساب با همین مردم نمک شناس و مدافع شورا در فردای سرنگونی.

برخلاف شیفتگان دموکراسی که احترام به ارتجاعی ترین عقاید جزء اصول مقدس ایشان است و نیز پوپولیست ها که همدستی با فاشیست ها را برای قدرتمند شدن جنبش سرنگونی مفید و ضروری می دانند، کارگران و کمونست ها اگر با این جریان منحن، ضد کارگر و ضد زن همین امروز و در تمام سطوح مرزبندی نکنند قافیه را باخته اند. متأسفانه چهل سال زندگی در جهنم جمهوری اسلامی، برای دودمان دزد و آدمکش پهلوی

آموزش رایگان برای همگان!



خود نخست وزیر گفت ما (دولت) بر "نواقصی" در کیس پی برده‌ایم و در تلاش برای "تعدیل" آن هستیم. یکی از خبرنگاران سرویس جهانی بی بی سی گفت که این کیس فعلاً تا ماه ژوئیه عملی نخواهد شد. البته هیچ چیزی را نمیتوان با قطعیت در این مورد گفت، زیرا کشمکش بسیار وسیع در جبهه‌های مختلف ادامه خواهد داشت. پریتی پتل (وزیر کشور) در اولین واکنش به این شکست، گفت که از طرق دیگر در تلاش خواهند بود تا این سیاست به گفته آنان "درست" را پیش ببرند. دولت بریتانیا مدعیست که این سیاست را برای "حفاظت از جان پناهجویانی است که مخاطره می‌کنند و از کانال خطرناک و پر تردد عبور میکنند و همچنین به خاطر مبارزه با قاچاقچیان انسان است". اما آنچه در عمل رخ داده است این سختگیرها و دژهایی که دولتهای اروپایی بمنظور ممانعت از ورود پناهجویان اعمال میکنند نه تنها مانع انتخاب مسیرهای پر مخاطره و کوتاه کردن دست قاچاقچیان انسان نشده، بلکه هزینه مادی و انسانی آنرا برای پناهجویان بمراتب سخت تر کرده است و لذا این اظهارات ریاکارانه و شیادی، ای بیش نیست.

سازمانهای و نهادهای مدافع حقوق پناهندگی از ابتدای طرح این پروژه (انتقال پناهجویان به رواندا) علیه آن موضع گرفته و با جدی شدن طرح و عملی شدن آن، کارزار وسیعی سازمان داده شد و وکلای مجرب وارد عمل شدند تا دادگاههای بریتانیا و اروپای مشترک را مجاب کنند که در صورت انتقال پناهجویان به رواندا چه مخاطراتی متوجه آنان خواهد شد. در همین راستا تجمع های اعتراضی در مقابل وزارت کشور تا دادگاه عالی بریتانیا و راه بندان در مسیرهای منتهی به فرودگاه بمنظور جلوگیری از انتقال پناهجویان از بازداشتگاه به فرودگاه همه این فعالیتها در به شکست کشاندن مفتضحانه انتقال بیش از یکصد پناهجو نقش جدی داشتند. شایان ذکر است که پناهجویان را همچون مجرمان به قتل یا اعمال تروریستی با دستبند و غل و زنجیر به پاهایشان به سمت فرودگاه نظامی انتقال داده بودند.

سیاست ضد انسانی انتقال پناهجویان در رواندا و سرنوشت نامعلومی که در انتظارشان خواهد بود جامعه بریتانیا را بشدت نسبت به این سیاست قطبی کرده است و در برنامه‌های تلویزیونی و در مباحث درون پارلمان تا کلیساها و سازمانهای سیاسی و نهادهای مدافع پناهندگی بازتاب داشته است. از آنجا که حزب محافظه‌کار بریتانیا دست بالا را در پارلمان دارد و به راحتی میتواند سیاستهایش را به تصویب برساند، اما از آنسوی دیگر بدلیل استقلال قوه قضایی و همچنین سنتهای ریشه‌دار در جامعه در دفاع از حقوق انسان مانعی جدی در پیشبرد سیاستهای ارتجاعی دولت می‌باشد، هر چند شرایط ناهنجار اقتصادی و تورم رو به افزایش تا حد ۱۱ درصدی بر افکار بخش تهیدست جامعه سنگینی میکند و سیاستمداران شیب و ریاکار اخزاب حاکم همیشه پناهجویان را بعنوان عامل فشار به جامعه معرفی کرده و میکنند. در بحبوحه کشمکش برای حقوق پناهجویان فراری از کشورهای دیکتاتوری و فاسد رژیم اسلامی ایران در اوج وقاحت بی شرم از طریق سعید خطیب زاده نسبت به سرنوشت پناهجویان

شکست مفتضحانه سیاست انتقال پناهجویان

به رواندا

خطر انتقال بطور کامل بر طرف نشده

سعید آرمان

از آوریل سال جاری پارلمان بریتانیا که حزب محافظه‌کار در آن دست بالا را دارد سیاست دولت را مبنی بر انتقال پناهجویانی که به گفته آنان "غیر قانونی و از طریق کانال مانس" وارد این کشور می‌شوند جهت "رسیدگی" به پرونده آنان به رواندا، تایید کرد. رواندا کشوریست که در مابین سالهای ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۴ در نتیجه جنگ داخلی بیش از ۸۰۰ هزار انسان به قتل رسیدند و دولت این کشور خود از ناقضین حقوق بشر می‌باشد. این سیاست ارتجاعی و کاملاً مغایر با کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو که بریتانیا جزو امضا کنندگان آن است، موجب خشم و نارضایتی سازمانهای مدافع حقوق پناهندگی و بخشی از افکار عمومی جامعه بریتانیا و نهادهای بین المللی مانند کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگی، سازمان عفو بین الملل و غیره شده است. دولت بریتانیا سرانجام در حین اجرای این قانون و تدارک انتقال پناهجویان با مانع جدی و سد قانونی و کارزار وسیع علیه آن روبرو شد.

در پارلمان بریتانیا صداهای مخالف بلند شد و آنرا بعنوان یک رسوایی و اقتضاح سیاسی نام بردند و خواهان توقف سریع آن شدند. در بیرون از پارلمان سازمانهای مدافع پناهندگی و حقوق بشری دست به کار یک کارزار وسیع و تیمی از وکلای زبده شروع به چالش کشیدن آن در دادگاه عالی بریتانیا و متعاقباً در دادگاه حقوق بشر اروپا شدند. وکلا قادر نبودند که کل این پروژه ضد انسانی را بعنوان یک سیاست ارتجاعی و مغایر با کنوانسیونها در دادگاه عالی محکوم و به شکست منجر کنند. آنان ناچاراً به کیس به کیس پناهجویان پناه بردند و دادگاه عالی را مجاب کردند که اگر این پناهجویان به رواندا انتقال یابند تضمین جانی نخواهند داشت. نمونه بارز آن پرونده یکی از شاهدان آبان ۹۸ بود که آماده نبوده است فرمان مقامات جمهوری اسلامی را مبنی بر تیراندازی به تظاهرات کنندگان اجرا کند و از شلیک به معترضین اجتناب کرده است. در سایر موارد هم موفقیتهای چشمگیری کسب شد تا سر انجام مسافران بیش از صد نفری هواپیمای بوئینگ ۷۶۷ به ۷ نفر تقلیل یافت و راس ساعت ۱۱ سه شنبه شب ۱۴ ژوئن ۲۰۲۲ به وقت بریتانیا حکم دادگاه حقوق بشر اروپا علیه انتقال چند نفر دیگر به رواندا صادر شد و پرواز کاملاً منتفی شد. این یک پیروزی برای پناهجویان و مدافعین انسانیت بود و شکستی مفتضحانه برای دولت بریتانیا.

احکام صادره از جانب دادگاه عالی بریتانیا و در نهایت دادگاه حقوق بشر اروپا سیاست بغایت ضد انسانی دولت محافظه کار را بطور مفتضحانه شکست داد و موجب خشم دولت و در راس آن بوریس جانسون و پریتی پتل وزیر کشور شد. دولت بریتانیا از طریق وکلای خود تلاش کردند تا قضات دادگاههای بریتانیا و اروپا را قانع کنند که سیاستشان مو لای درزش نمی رود، اما

انتقال معلمان بازداشت شده در تهران #جعفر_ابراهیمی ،
#محمد_حبیبی و #رسول_بدایق از بند ۲۰۹ به بند ۲۴۰ اوین و
بازداشت آنها در سلولهای انفرادی

#جعفر_ابراهیمی ، #محمد_حبیبی و #رسول_بدایق پس از
۴۵ روز بازداشت دیروز سه شنبه ۱۴۰۰/۳/۲۴ به بند ۲۴۰ زندان
اوین و سلولهای انفرادی انتقال داده شدند.

▲ این سه معلم دربند در تاریخ ۱۴۰۰/۲/۱۰ قبل از تجمع روز
معلم بازداشت و به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شدند.

▲ نیروهای امنیتی و ضابطین قضایی پس از شکست
سناریوسازی‌های صداوسیما و روزنامه‌های همسو چون کیهان
و ایران... برای اعمال فشار بیشتر و وادار کردن معلمان به
اعتراف‌های اجباری، این سه معلم را به سلول‌های انفرادی
منتقل کرده‌اند.

▲ واضح است بکار بردن روشهای قرون وسطایی بر اراده‌ی
معلمان در مسیر عدالت‌خواهی تاثیر منفی نگذاشته و نخواهد
گذاشت.

👉 #معلم_زندانی آزاد بایدگردد



کارگران و معلمان زندانی،

کلیه زندانیان سیاسی آزاد باید گردند!

شکست مفتضحانه سیاست انتقال پناهجویان به

رواندا

خطر انتقال بطور کامل بر طرف نشده

سعید آرمان

"ابراز نگرانی" کرده است.

سعید خطیب زاده سخنگوی وزارت خارجه رژیم فاشیست اسلامی
در اوج وقاحت و بی شرمی با انتقاد از انتقال پناهجویان در
بریتانیا به رواندا که برخی از آنها تابعیت ایرانی دارند، گفت:
«رسانه‌های فارسی زبان معاند در لندن با ارایه تصویری
غیرواقعی از ایران و رویایی غیرواقعی‌تر از اروپا، زمینه خروج
خطرناک شهروندان ایرانی را فراهم می‌آورند.» او در ادامه گفته
است

"علیرغم ظلمی که این معدود افراد به خود و وطن خود میکنند،
دولت جمهوری اسلامی ایران در چارچوب وظایف حاکمیتی خود
تاکید دارد که حقوق این افراد ذیل کنوانسیون ۱۹۵۱ و پروتکل
مربوطه می‌باید رعایت شود و اعزام آنها به کشورهای ثالث
روبه‌ای خطرناک است و حفاظت از پناهجویان را هم از بین
خواهد برد. خطیب زاده انگار در کره دیگری زندگی میکند و
نمیداند طی ۴۳ سال گذشته رژیم هار اسلامی چه فجایعی بر سر
مردم آورده است و نمیداند که بالغ بر چهار میلیون انسان برای
زندگی بهتر و خلاص شدن از ارتجاع اسلامی و بی‌آیندگی و
تباهی، ای که رژیم متبوعش بر مردم غالب کرده است، از
کشورشان که بیشترین اعدام را در جهان به خود اختصاص داده
است، گریخته‌اند. خطیب زاده به جای زدن جوالدوز به دولت‌ها،
سوزنی هم به خود بزند به خاطر توحشی که دولت جنایتکارش
نسبت به مخالفین سیاسیشان اعمال میکنند و به زندان‌هایشان نگاهی
بیاندازد که تنها در دو روز گذشته بالغ بر یکصد معلم معترض را
بازداشت کرده‌اند و معلمین را در تک سلولهای زندان اوین
محبوس کرده و در عین حال نگاهی به رفتار وحشیانه دولت
متبوعش با پناهجویان افغانستانی مقیم ایران بیاندازد که نمونه
بارز دیگریست از "رافت اسلامی" اشان در حق پناهجویان.

بر گردیم به اصل موضوع. دولت بریتانیا تقلاهای زیادی برای
مسدود کردن مسیرهای پناهندگی انجام داده و سال گذشته مبلغ ۵۲
میلیون پوند در اختیار دولت فرانسه گذاشت تا با از دیاد مرزبانان
در مسیر کانال مانس مانع از عبور به گفته آنان "غیر قانون"
پناهجویان شوند و اکنون با قرار داد ۱۲۰ میلیون پوندی با دولت
رواندا قصد دارد این پروژه را به سرانجام برساند. از یکسو دولت
اصرار دارد و از سوی دیگر بخشی از افکار عمومی و همچنین
قوانین موجود بخشا در صالح پناهجویان عمل میکند و سرنوشت
گنگ و ناروشنی موجود است که تنها به یمن حضور جدی
نهادهای مدافع حقوق پناهندگی و سازمانهای حقوق بشری میتوان
این سیاست را که همچون شمشیر داموکلس بر سر پناهجویان می
چرخد، با شکست کامل مواجه کرد.

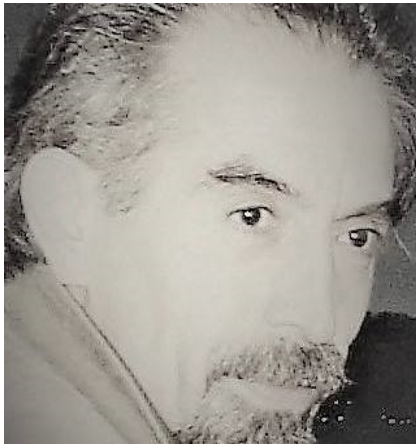
سعید آرمان جمعه ۱۷ ژوئن ۲۰۲۲

توقف جنگ بیدرنگ! نه به جنگ دولتهای سرمایه داری!

یادداشت‌ها

سیاوش دانشور

فرشگرد، پلاتفرم آنتی کمونیسم!



اربابش آمریکا و انگلستان “تحویل” جنبش اسلامی داد و حالا می‌خواهد “پس بگیرد”! در واقع می‌گویند چهل سال کافی است، هر چه توانستید بُردید و خوردید، حالا مُجددا نوبتِ ماست. و این چرخه معیوب از انقلاب مشروطه تا به امروز اساساً بین دو خانواده بزرگ ارتجاع سیاسی در ایران، یعنی

اسلام و ناسیونالیسم، سرنوشت مردم را رقم زده و دیکتاتوری پشت دیکتاتوری به جامعه تحمیل کرده اند.

فرشگرد محصول جدیدی از کارخانه تخریب ناسیونالیسم و اسلام است که به بازار سیاست ایران ارائه شده است. وقتی به سابقه سیاسی چهل نفری که بیانیه فرشگرد را انتشار داده اند نگاه می‌کنید، میبینید اکثر آنها سابقه شان به درون رژیم اسلامی برمیگردد. یا مغضوبین حکومتی هستند و یا عناصر فعالی که در خدمت جمهوری اسلامی و جناحی از آن جانفشانی‌ها کرده اند. ترکیبی از دانشجویان انجمن اسلامی دانشگاهها، تحکیم وحدتی‌ها، اعضای ادوار تحکیم وحدت، همکاران نزدیک حجاریان و سازگارا و برپادارندگان وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران، کمپنرهای فعال میرحسین موسوی و کروبی، عناصر ارسالی به خارج که با پولهای بی حساب دولت آمریکا و نهادهای غربی سایت‌ها و پروژه‌هایی مانند توانا و شبکه‌های مرتبط را ایجاد کردند، جمهوریخواهانی که همواره در کنار اینها در دفاع از حکومت مرتجع اسلامی مُجاهدت کردند، سلطنت‌طلبان عقب مانده‌ای که تنها هنرشان قاچاق رژیم‌ها بدرون صفوف اپوزیسیون است؛ اینها ترکیب اعلام کنندگان “شبکه فرشگرد” هستند. حمایت فوری رضا پهلوی از این جماعت و در بوق کردن آن توسط آیت الله بی بی سی و رادیو فردا و صدای آمریکا و حتی رسانه‌های داخل، مُطلقاً تصادفی نیست. برای رضا پهلوی این یک پروژه جانبی است و هر ناسیونالیستِ عظمت‌طلبی با دیدن شعار و مالخولای “ایران را پس میگیریم” از خود بیخود می‌شود. آری، قرار است ایرانی را که “تحویل خمینی و شرکا دادند”، “پس بگیرند!”

و اما اینها هیچکدام هویت سیاسی فرشگرد را دقیقاً بیان نمی‌کند. آنچه شناسنامه واقعی این جریان است ضدیت و اعلام جنگ با کمونیسم است که با وقاحت در بیانیه شان درج کردند. تاکنون هیچ کمونیستی از ممنوعیت فعالیت سیاسی بعنوان مثال سلطنت‌طلبان یا بورژواها جانی سیاستی نیاورده و سخنی بر زبان نیاورده است. ما کمونیست‌ها، لااقل در ایران، بطور منحصر بفردی این اعتبار را داریم که از “آزادی بی‌قید و شرط عقیده، بیان، تجمع، اجتماع و تحزب” دفاع کردیم و آنرا وارد فرهنگ سیاسی آن مملکت کرده ایم. اما اگر امروز عده‌ای ورشکسته سیاسی اسلام زده و آخوند زده و مدافعان سنت عهد عتیق، از مخالفت و ضدیت با کمونیسم سخن می‌گویند، نباید آنرا بحساب تخریب صرف آنها گذاشت. خیر، این موضعگیری سیاسی را باید بعنوان مثال در کنار “اقتصادنامه” بولتن

ما کمونیست‌ها همیشه اعلام کرده ایم که آنتی کمونیسم “یک حزب واحد جهانی” در جامعه سرمایه داری است. این حزب واحد جهانی جایی دفتر و تابلویی رسمی ندارد اما به گواهی تاریخ سرمایه داری و عملکرد ضد کارگری دولتهای سرمایه داری، آنتی کمونیسم شناسنامه مشترک سیاسی طبقات حاکمه از مونا رشیست و جمهوریخواه تا لیبرال و محافظه کار، از سوسیال دمکرات و مرکز تا مذهبی و لائیک بوده است. آنتی کمونیسم برای بورژوازی یک رُکن مُهم ایدئولوژی و سیاستی است که قرار است اعتراض به استثمار و نابرابری و تبعیض، اعتراض به کار مزدی و مالکیت خصوصی بر ابزار تولید را منکوب کند. آنتی کمونیسم علیه نقد اجتماعی و سوسیالیستی طبقه کارگر به نظم کنونی است.

آنتی کمونیسم در کشورهای سرمایه داری تحت سلطه و مبتنی بر سازماندهی استثمار خشن نیروی کار ارزان، سبانه تر و خونین تر و جنایتکارانه تر عمل کرده است. تاریخ کشمکش طبقاتی در ایران کارنامه سیاهی در سرکوب و ممنوعیت و قتل عام مخالفین سیاسی بطور اعم و کمونیست‌ها بطور اخص دارد. از قوانین رضا خانی بر علیه سازمان کارگری و کمونیستی تا عملکرد رژیمهای پهلوی و بعدتر رژیم‌ها که دستگاه سرکوب را از آنها “تحویل گرفت”، تاریخ شان با کشتار و ممنوعیت کمونیست‌ها عجین است. و امروز در متن بحران خاد سیاسی که مسئله سرنگونی و تعیین تکلیف با جمهوری اسلامی را در دستور روز قرار داده است، در کنار تلاش برای الکترونیوسازی و دست بدست کردن قدرت سیاسی، “فرشگرد” ۱، اعلام موجودیت میکند. فرشگرد چیست و کیست و چقدر باید این پروژه را جدی گرفت؟

همراه با انتشار بیانیه اعلام موجودیت فرشگرد، رسانه‌های فارسی زبان دولتی بخط شدند و این واقعه را بعنوان رُخدادی مُهم در بوق کردند. تصور کنید در قرن بیست و یکم، در عصر انقلاب انفورماتیک، عده‌ای دیروز مذهبی و اسلام پناه و تازه جمهوریخواه و دمکرات و تعدادی سلطنت طلب و ساواکی و ساوامائی، در یک بسته بندی عهد عتیقی ظهور کنند! می‌گویم عهد عتیقی، چون اسلام و حکومتش در ایران تلاش کرد جامعه را به ۱۴۰۰ سال پیش برگرداند و فرشگرد چکامه اش را از چند هزار سال پیش میگیرد. چون آئین و مذهب زرتشت قریب ۱۵۰۰ سال از اسلام قدیمی تر است. نفس همین واپسگرایی فکری و فرهنگی، تناقض عمیق و ضدیت اینها را با جامعه امروز ایران و آرزوها و آمال مبارزه از ادیخواهانه آنها ترسیم میکند.

پلاتفرم سیاسی فرشگرد

فرشگرد اما تلاش کرده است “به روز” باشد. اول روی ضدیت مردم از ادیخواه ایران با جنبش اسلامی سرمایه گذاری کند و دوم دنده عقب فکری و فرهنگی را به قلمرو سیاست بیاورد. شاه بیت پلاتفرم شان اینست: “ایران را پس میگیریم و میسازیم”! انصاف داشته باشیم، رژیم سلطنتی حکومت و جامعه ایران را بدستور

یادداشت ها،

سیاوش دانشور

فرشگرد، پلاتفرم آنتی کمونیسم!

حکومتی در ایران گذاشت که خطر کمونیسم و کمونیست ها را به آبوی های اطلاعاتی گوشزد میکند. اینها از یک سرشت و یک طایفه و یک طبقه ارتجاعی اند. این آنتی کمونیسم شلخته و بی رودربایستی را باید در متن تشدید قطب بندی و کشمکش سیاسی و طبقاتی در ایران دید. اینها اگر بخواهند در جوار پروژه رضا پهلوی جانی پیدا کنند، باید بعنوان فالانژهای آریائی و اسکین هد «فرشگرد» اطمینان خاطر بی «جامعه جهانی» و متحدین شان در دالانهای کنگره آمریکا بدهند. یعنی همان تعهدی که جریان اسلامی خمینی، مبنی بر سرکوب کمونیسم در ایران را به آمریکائی ها داد، هر آلترناتیو بورژوائی باید فی الحال و بدون لکتنت زبان به مؤتلفین سیاسی شان بدهد.

فرشگرد به تنهایی و بعنوان یک محفل بی در و پیکر و بد سابقه میتواند اسباب شوخی و انبساط خاطر باشد، اما بعنوان یک فرقه فالانژ و شبیه بلاک و اتر و فاشیست میتواند خطرناک و موی دماغ جنبش کارگری و سوسیالیستی شود. در جامعه ای که جمهوری اسلامی روی شکافهای قومی سرمایه گذاری میکند و هراز چندگاهی بعنوان مختلف از این آب باریکه نان میخورد، حضور فاشیستهای مانند فرشگرد ویتترین بورژوازی را تکمیل و جنس شان را جور می کند! فرشگرد روی پلاتفرم رضا پهلوی کار می کند و با طرح «رفراندم آزاد» و «حکومت سکولار» لینکی به جمهوریخواهان و ملی اسلامی هائی که دیگر هیچ امیدی در درون رژیم اسلامی ندارند، داده است. ترکیب شان نیز ائتلافی از عناصر دیروز حکومتی و مدافع حکومت با سلطنت طلبان است. فرشگرد امروز پروژه ای برای نان خوردن و پول گرفتن از نهادهای دست راستی دول غربی است، اما از نظر سیاسی سرنخی است به ائتلاف ناسیونالیسم ایرانی و جنبش اسلامی و بستر اصلی دو جنبش ارتجاعی بورژوائی ایران علیه کارگر و کمونیسم و تمایلات وسیع سوسیالیستی در جامعه ایران.

ما بعنوان کمونیست و جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر کمترین تردیدی برای به شکست کشاندن پروژه های ارتجاعی و ضد کارگری و ضد کمونیستی این جماعات، که از طرق کودتائی و رژیم چینج و آلترناتیو سازی قرار است عملیاتی شود، نداریم. در باره نقش مخرب این نوع فرقه های مهجور سیاسی هشدار میدهم و در عین حال از تشدید قطب بندی طبقاتی در ایران استقبال می کنیم. نفس اینکه از حکومت اسلامی و اصلاح طلبان و سلطنت طلبان، آنها که «تحویل دادند» و آنها که «تحویل گرفتند»، اینبار دستجمعی خود را بعنوان بخشهای مختلف بورژوازی ایران در تقابل با کارگر و کمونیسم یکجا یافته اند و صراحتاً و بدون پرده پوشی آنها اعلام میکنند، بیانگر این واقعیت است که علیرغم تبلیغات مسموم و تولید آنبوه دروغ علیه کمونیسم و امر آزادی جامعه، کارگر و کمونیسم یک جنبش و نیروی واقعی در جامعه است که «خطر» آن همه بورژوازی را به وحشت انداخته و به «اعلام برانگ از کمونیسم» کشانده است.

۱- فرشگرد در زبان پهلوی بمعنی رساندن جهان به کمالی است که در آغاز آفرینش و پیش از یورش اهریمن و ورود پلیدی به آن، وجود داشته است. و از ارکان اصلی مزدیسنا می باشد و برابر با معاد در ادیان سامی است. در متون دینی زرتشتی از آن به بازسازی جهان نام برده شده و با ظهور سوشیانت آغاز می گیرد. در این دوره، بر حسب سنت زرتشتی و عقاید کهن، اهریمن شکست می خورد و دیوان به درون زمین فرومی روند و در پی آن، پلیدی از جهان رخت برمی بندد. در فرشگرد هر ایزدی دیو رقیب خود را از میان برمی دارد. زمان وقوع آن را در نیمروز و درگاه رپیتون دانسته و از این روز ایزد رپیتوین را سرور فرشگرد نامیده اند. دانشنامه آزاد ویکی پدیا.

۲۷ سپتامبر ۲۰۱۸

* این یادداشت در ابتدای اعلام فرشگرد نوشته شده است. سیاستهای محفل موسوم به «شبکه فرشگرد» در سالهای اخیر دیگر برای همه معرفه است. جریانی عمیقاً دست راستی و ضد کمونیست که جناح خشکه مقدس و هاردلاینر اپوزیسیون راست ایران و مشخصاً سلطنت طلبان را نمایندگی میکند.

آقای پهلوی کلاه تان را بالاتر بگذارید

علیه لمپنیسم ضد زن سلطنت طلبان

لات و لوت های سلطنت طلب از زن و مرد دارند از حزب الله جلو میزنند. آخرین مورد تولید موجی از کثافت به معنی دقیق کلمه علیه شیوا محبوبی است. میگویم آخرین مورد، چون بارها علیه رفیق عزیزم آذر ماجدی افسار پاره کرده اند. ادبیات و فحش های چارواداری و چاله میدانی این جماعت روزنه ای به آینده است که اگر اینها دست شان به یک واحه برسد، با چه اوضاعی روبرو خواهیم بود. بویژه وقتی طرف مقابل شان زن باشد، یک پا کلاه مخملی و سوپر لمین میشوند و انسان را یاد فحاشی شکنجه گران در اتاق شکنجه می اندازند.

هدف این لحن و ادبیات مسستهن و لمپنیستی ارباب مخالفین است. امروز ارباب و تهدید و فردا قتل و ترور. آقای پهلوی و مدافعان رعیت وار سلطنت کلاهان را بالاتر بگذارید. با این هواداران فاشیست تان بیش از این فضای سیاسی را مسموم و لجن مال نکنید.

و بالاخره خوبست کسانی که در کنار اینها آکسیون می کنند و سینه چاک این خط فاشیستی و ضد زن و لمپنی هستند، یکبار هم که شده درس بگیرند و شکایت به درگاه رهبر آنها نبرند. برخی رفتارها آدم را یاد مردم عامی می اندازد که میگفتند «شاهنشاه خودش خوبست، آریامهر خرابش کرده!!»

رشد کنید، در اروپا و آمریکا زندگی می کنید، اگر نمیتوانید سیاسی باشید لافل یک ذره تمدن داشته باشید.

۱۳ ژوئن ۲۰۲۲

عوامفریبی خبری رسانه های قلم به مزد

بازنشستگان، این کارگران نسلهای قبل که سهم شان

صفحه ۱۱

علیه جنگ ارتجاعی، علیه ریاضت اقتصادی!

عوامفریبی خبری رسانه های قلم به مزد

را در ساختن جامعه ایفا کردند و حال باید در آرامش و با حرمت زندگی کنند، ناچارند هر روز برای نان و دارو و اعاده حرمت شان فریاد زنند. مسئله ساده است؛ دولت اسلامی تنها ۱۰ درصد افزایش حقوق و مستمری برای آنها در نظر گرفته و این در شرایطی است که نهاد کارفرمائی موسوم به «شورای عالی کار» در مصوبه دستمزد سالجاری رقم بالای ۵۷ درصد را تصویب کرده است. اعتراض کارگران پیمانی نفت و کارگران خطوط بی. آر. تی شرکت واحد تهران هم برسر همین موضوع بود.

شعارهای بازنشستگان اساسا علیه فقر و گرانی و دولت رئیسی و نظام اسلامی است. یکجا و تعداد بسیار معدودی از بازنشستگان به اشتباه شعار «ما اشتباه کردیم که انقلاب کردیم» و «رضا شاه روحت شاد» را سر دادند. این تعداد در قیاس با کمیت اعتراض سراسری بازنشستگان و شعارهای این اجتماعات بزور به یک درصد میرسد.

اما رسانه های قلم به مزد و خیلی «بیطرف» و خیلی باشرف مثل اینترنشنال که پیشاپیش به پابوسی خاندان مرتجع سلطنتی رفته اند، حتی به مینیمم پرنسیپ ژورنالیستی بازاری پایبند نیستند و رسماً دروغ پمپاژ می کنند که بازنشستگان این شعارها را در اعتراضات سر داده اند!!

میگویند دنیای رسانه است که عوامفریبی و شخصیت سازی را به اوج رسانده است. باید اضافه کرد که بی شخصیتی و بی پرنسیپی را نیز. زمانی قلم شرافت داشت، دروغگوئی و جعل مضموم بود، خبرنگاری شغل خطرناکی بود. حالا همه چیز وارونه است؛ عوامفریبی و خبر تراشی و بوست روباتیک در سوشیال میدیا و فیک نیوز و دوپینگ رسانه ای و سانسور حرف اول را میزند.

نام گوبلز در تاریخ بیهوده نمانده است. با کمال تاسف در زمانه ای بسر می بریم که هر جلاد و هر جاعل و هر عوامفریبی میتواند از خود اعاده حیثیت کند چرا که سرمایه داری و محصولات و کاراکترهایش جهان را به گند کشیده اند. چقدر مظلوم اند بازنشستگان و کارگران و معلمانی که از یک سو باتوم مزدوران حکومت را میخورند و از سوی دیگر چماق جعل خبر رسانه های عوامفریب را!

۱۲ ژوئن ۲۰۲۲

به بازنشستگان عزیز

منفعت شما انکار منفعت بورژوازی است

در باره برخی شعارهای انحرافی

در اجتماعات چند روز اخیر بازنشستگان در دو مورد بخش نسبتاً محدودی از بازنشستگان در دو شهر و در مقطعی از حرکت شعارهای «ما اشتباه کردیم که انقلاب کردیم» و «رضا شاه روحت شاد» سر دادند. این تعداد از شعاردهندگان در قیاس با جمعیت معترض بازنشستگان در همین دو شهر و همینطور اعتراضات سراسری بسیار معدود و ناچیز محسوب میشود. اما به

لطف دوپینگ رسانه های قلم به مزد روی آنها نور تابانده شد تا اعتراض برحق بازنشستگان هایجک و مصادره شود.

تردیدی نیست میان بازنشستگان گرایشات سیاسی مختلف وجود دارد و حتما برخی یا عده ای هستند که فکر میکنند گذشته بهتر بود. تردیدی نیست که اطلاعات رژیم در موارد مشخصی از جمله در اعتراضات توده ای در اصفهان و خوزستان افرادی را میان معترضین میفرستاد و این شعارهای انحرافی را برای تغییر مسیر سیاست تظاهراتها و خواستههای آن و هدف سرکوب طرح میکردند. اینکه رسانه های دست راستی مانند بی بی سی و ایران اینترناشنال و رادیو فردا و دیگران روی این شعارها زوم می کنند، پلاتفرم خودشان را دارند و دستور میگیرند و عبارتی «مامورند و معذور!» «آنها سیاست شان همواره دفاع از ارتجاع بوده و در آینده نیز همین خواهد بود. این رسانه ها کلاً در انحصار ملی اسلامی ها و اصلاح طلبان و سلطنت طلبان است. انتظار دیگری از اینها بیهوده و توهم است. اما از آنجا که ادعای «بیطرفی» دارند ما حق داریم بگوییم خجالت بکشید، شرم کنید، اگر به حقیقت پایبند نیستید لااقل در دروغ بافی ترمزتان را چک کنید!

اما بازنشستگان عزیز که نور چشم ما هستید، شماها که عمری کار کردید و زجر کشیدید و سهم تان را در ساختن جامعه ایفا کردید؛ شما حق دارید دغدغه نان و مسکن و دارو نداشته باشید. شما حق دارید در آرامش و سلامت مابقی زندگی تان را در کنار فرزندان و نوه ها و خانواده تان بگذرانید. بسیار دردآور است که بازنشسته مریض خودکشی کند چون پول دارو ندارد، دستفروشی کند که نان بخورد، از قلچماق شهرداری لگد بخورد چون شرافتمندانه کار می کند. اینها و بسیاری مسائل آزار دهنده و درد آور است. مشکل را همه میدانیم و راه حل را همینطور. مشکل این حکومت کثیف سرمایه داری است و راه حل هم سرنوگونی و عبور از این نظام.

اما شعارهای «ما اشتباه کردیم که انقلاب کردیم» و «رضا شاه روحت شاد» چه ربطی به حقوق و مستمری و همسان سازی و بیمه و بهداشت و مسکن دارد؟ اینها شعارهای یک کمپین دست راستی برای اعاده ارتجاع در ایران و دست بدست کردن قدرت از بالای سر مردم است. وانگهی نه شما و نه کسی دیگر انقلاب نکرد، بلکه انقلاب شد و همه در آن شرکت و دخالت کردند. انقلاب محصول تبلیغ کسی و جریانی و حزبی نبوده و نیست بلکه یک مکانیزم تغییر در جامعه است. وقتی تمام راه حل های بحران تست میشوند و بی پاسخ میمانند، انقلاب بعنوان راه برون رفت مثل زلزله می آید. اینکه تعدادی مفسر بی مغز و روشنفکر عاری از عقل تبلیغ می کنند که «ما اشتباه کردیم که انقلاب کردیم»، تنها هدفشان اینست که مردم را به آنچه که هست راضی کنند و یا برای پروژه های دست بدست کردن قدرت از بالا آماده کنند. چرا باید نیروی این ارتجاع سیاسی شد؟ چه منفعتی دارید؟ شعار «رضا شاه روحت شاد» «که واقعا بی معنی ترین شعار تاکنونی است؛ شعاری مذهبی و عقبنانده و نامربوط که به نوه اش هم متصل نمیشود بلکه تنها کاراکتر قلدری مثل وی را برای ایران فردا عادیسازی میکند. تازه رضا شاه با کودتا و

توسط انگلیسی ها آمد و با دستور آنها هم رفت. این چه افتخاری دارد برای انسان قرن بیست و یکم؟

اما راه حل مشکل ایران اتفاقاً انقلابی زیرو رو کننده

به بازنشستگان عزیز

منفعت شما انکار منفعت بورژوازی است

در باره برخی شعارهای انحراف

و سازمانیافته کارگری است. یک انقلاب اجتماعی راه حل عبور از نظام کنونی است که لایه نازکی را سوپر میلیاردر کرده و بخش عظیم جامعه را در فقر و فلاکت غرق کرده است. هر بورژوازی با هر رنگ پرچم و هر نامی بیاید؛ اعم از مشروطه و مشروعه و دمکرات و ملی، اگر قرار است مزد بدهد و مزدبگیر بماند، اگر قرار است مالکیت خصوصی بر ابزار کار و تولید باشد، اگر قرار است استثمار و ستم و تبعیض برقرار باشد، وضع ما بدتر میشود بهتر نمیشود. پس باید زیر و رو کرد نظم موجود را. باید انقلابی بود و تغییرات رادیکال و ریشه ای خواست. باید به کم رضایت ندارد و باید تمام آزادی را خواست. باید اداره امور را خود بدست گرفت و باید تولید نیازها و بازتولید جامعه را نه برای سود سرمایه بلکه برای رفع نیازهای همگان سازمان داد.

انقلابات و قیام ها و شورش ها و خیزش ها بعنوان مکانیزم های اجتماعی رخ میدهند و تاریخ مکتوب بشر گواه آنست که اساسی ترین تغییرات و پیشرفتهای این روشها محقق شدند. بیشتر آنها از انقلاب فرانسه تا کمون پاریس و انقلاب اکتبر و دهها انقلاب و خیزش و قیام دیگر یا بفرجام نرسیدند و یا سرکوب شدند و یا در مرحله ای متوقف شدند. اما تاثیرات و دستاوردهای محدود آنها جهان را تغییر داده و بجلو رانده و افکار و عقاید و توقع انسانها را از خود و از دولت و از قانون و همه چیز تغییر داده است.

شعارهای «ما اشتباه کردیم که انقلاب کردیم» و «رضا شاه روح شاد» عمیقاً ارتجاعی و اشتباه هستند و بویژه به منافع و مبارزه شما و کارگران سرسوزنی ربط ندارند. شعار درست شعاری مربوط به معیشت و حقوق و حرمت شما و همه کارگران و مردم محروم است. شعار درست مرگ بر رئیسی و خامنه ای و جمهوری اسلامی و مرگ بر سرمایه داری است. شعار درست آزادی و برابری و رفاه است. منفعت شما در تکرار شعارهای امنیتی ها و نیروهای دست راستی نیست، منفعت شما انکار منفعت بورژوازی است. درود بر مبارزه و عزم و اتحاد بازنشستگان.

۱۲ ژوئن ۲۰۲۲



PARLOW TV
تلویزیون پرتو
رسانه تصویری حزب حکمتیست
رسانه ای برای یک دنیای بهتر

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونست کارگری - حکمتیست
را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به
کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:
<https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: یاه ست ، فرکانس : ۱۲۵۹۴ ، پولاریزاسیون : عمودی ،
سیمبل ریت : ۲۷۵۰۰ ، اف ای سی : ۳/۲

ساعات پخش به وقت ایران :
هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰
تکرار روز بعد در ساعت های : ۳:۲۰ تا ۴:۳۰ ، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ ، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

کنگره اتحادیه های کارگری بریتانیا TUC طی فراخوانی کارگران و مردم بریتانیا را به راهپیمایی
برای زندگی بهتر، علیه فلاکت و ریاضت اقتصادی و راکد ماندن دستمزدها نسبت به تورم
افسارگسیخته و علیه سیاستهای دولت محافظه کار فراخوانده است. حزب حکمتیست ضمن
حمایت از این مطالبات و همچنین علیه جنگ امپریالیستی و هزینه گزاف و کمرشکن این جنگ
برای طبقه کارگر جهانی، در این راهپیمایی شرکت و ایرانیان آزادیخواه را به شرکت در آن فرا
میخوانیم

مکان
Great Portland Place London W1 1AA
نزدیکترین ایستگاه
Great Portland Street Station
زمان تجمع
شنبه ۱۸ ژوئن ۲۰۲۲
ساعت ۱۱ و حرکت به سوی پارلمان ساعت ۱۲

حزب کمونست کارگری ایران - حکمتیست
www.hekmatist.org
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

مجمع عمومی ظرف ابراز وجود
مستقیم و مستمر کارگران است!
مجمع عمومی را آگاهانه و بنا به هر
نیازی برپا کنید!
جنبش مجمع عمومی را گسترش دهید!

کارگر، معلم بپاخیز، برای رفع تبعیض!



بساط سرمایه متوحش، فقر، عدم حداقل معیشت، کودکان خیابانی، ترور و کشتار زنان، دزدیهای چند ده میلیاردی وابستگان عوامر اسلامی و در مجموع نبود آزادی و رفاه و حق انسانیت را با بزیر کشیدن نظام حافظ سرمایه اسلامی برای همیشه جمع کند!

روشن است ما کمونیستهای کارگری، آزادیخواهان و سازمانها

و نهادهای مترقی در خارج کشور نیز همیشه صدای کارگران و مردم انقلابی ایران بودیم که توسط خمینی ها و خامنه ای، خاتمی ها و رئیسی ها در طول حیات ننگین جمهوری اسلامی به خاک و خون کشیده شده اند. ما نماینده فریاد کارگرانی هستیم که زیر آوار متروپل، در نزارها، در دی و آبان خونین به خاک افتادند .

ما صدای جسور و آزادیخواه معلمان: رسول بدای، مسعود نیک خواه، هاله صفرزاده، مژگان باقری، محمدعلی زحمتکش، اسماعیل عبدی، اسکندر لطفی، جعفر ابراهیمی، محمد حبیبی و دهها رهبر دیگر مبارزات حق طلبانه آنانیم!

ما صدای فریاد صدها زن مبارز در اسارتگاه جمهوری شکنجه اسلامی از جمله: سپیده قلیان، زینب جلالیان، یاسمن آریانی، مریم اکبری منفرد، سیما انتصاری، ارس امیری، مرضیه امیری، لیلیا حسین زاده، نازنین زاغری، زهرا زهتابچی، آتنا دائمی، فاطمه ضیایی، منیره عربشاهی، نگین قدمیان، صبا کردافشاری، ندا ناجی، فرشته محمدی، سپیده مرادی و هزاران زن آزاده ای هستیم که به کل نظام ضد زن اسلامی نه گفته اند و سالیان سال است در چنگال توحش اسلامی به بند کشیده شده اند. ما فریاد حداقل دوازده هزار اسیر جمهوری بربریت، آبانی ها و دی ها هستیم.

ما صدای، بی صدای حداقل چهار میلیون کودک خیابانی در کوچه و خیابانهای ایران هستیم که بدون بزیر کشیدن شدن نظام بردگی اسلامی، امیدی به آینده و زندگی انسانی و درخور نخواهند داشت .

کمونیستهای کارگری، آزادیخواهان، سازمانها، احزاب و نهادهای مترقی کارگری و انساندوست با همبستگی خود به دفاع از مبارزات طبقه کارگر، مردم آزادیخواه ایران و بخصوص آسیب دیدگان مردم خوزستان، زندانیان سیاسی، معلمان و بازنشستگان جسور برخاسته اند تا نه جامعه به کل حکومت حافظ سرمایه داری اسلامی را به گوش جهانیان برسانند. ما اینجا جمع شده ایم تا صدای کارگران و مردم معترض ایران باشیم که توسط نظام بربریت اسلامی بیش از چهل و دو سال است بخاک و خون کشیده شده اند. ما فریاد و اعلام جرم و جنایت بر علیه کارگران، زنان و کودکانی هستیم که زیر آوار متروپل به خاک افتادند. تا بربریت سرمایه به حیات ننگین سودآوری خود ادامه دهد!

ما در خارج کشور در کنار و در همبستگی با مردم ایران آمده ایم که بساط این حکومت فاشیستی را جمع کنیم! درود بر شما! دستت تان درد نکند که آمده اید تا صدای فریاد جامعه ای باشید که انتخاب خود را در بزیر کشیدن نظام سرمایه و برقراری سوسیالیسم کرده است!!

متن سخنرانی نادر شریفی دبیر تشکیلات خارج

حزب حکمیتست مقابل کنسولگری جمهوری

اسلامی در فرانکفورت

رفقا،

تنها ظرف یک هفته گذشته مراسم بزرگداشت خمینی جلاد در لندن و تئاتر مزدوران جمهوری اسلامی در استکهلم در مقابل محل دادگاه نوری با همت کمونیست ها و آزادیخواهان بهم ریخته شده است. امروز و در موازات این آکسیون در همین شهر فرانکفورت، حداقل سه تظاهرات بر علیه نظام منحوس اسلامی فراخوان داده شده است. این آکسیونها، تظاهراتها و "بساط جمهوری اسلامی" در خارج کشور بهم ریختن ها، تنها نقطه کوچکی است از عزم جامعه ایران که در خیابانها ایران، آمده است تا طومار عمر نکبت بار جمهوری اسلامی را یک بار برای همیشه ببندد و جمهوری اعدام، جمهوری ضد کارگر، جمهوری ضد زن، ضد کودک و جمهوری تاجر اسلامی را به زباله دان تاریخ بسپارد .

سه شنبه همین هفته مرکز اسلامی لندن، وابسته به جمهوری اسلامی میزبان لاشخورها و تروریستهای رژیم اسلامی مستقر در بریتانیا و همچنین وابستگان حزب الله لبنان و سایر تروریستهای شیعی منطقه بود تا به خیال خود در فضایی "روحانی" به "فضیلتهای" رهبر "فرزانه" شان در کشتار و قلع و قم یک جامعه بپردازند. اما این تروریستها کور خوانده بودند و خیالات واهی شان به کابوس و یک افتضاح سیاسی دیگر مبدل شد. آنان قصد داشتند با منبر چرانی به تجلیل از یک فاشیست جانی در رده موسولینی و هیتلر بپردازند. اما صدای مرگ بر جمهوری اسلامی، مرگ بر خامنه ای، تروریست بروگم شو! رشته های بخیل خود بافته شده نمایندگان تروریست اسلامی را بسرعت بهم ریخت! بنابر این بلندگو از سالن بیرون آوردند تا صدای مرگ بر خمینی این نماینده کپک زده اسلام سیاسی در طویله های دراز اسلامی شان حداقل طنین انداز نشود، آنان به جای دوره می و شلمزرد زهرمار کردن تمام انرژی شان صرف خنثی کردن صدای اعتراضی همزمان ما شد. درگیر شدند، رسوا شدند و حقیقت پنهان شده آدمکشان اسلامی در لندن یکبار بیشتر نمایان شد!

در استکهلم مزدوران رژیم اسلامی، استکهلم را هم با حوزه های جهلیه خود در قم و مشهد عوضی گرفته بودند. اما انقلابیون در استکهلم در مقابل محل دادگاه نوری درس عبرت دیگری به عوامل و مزدوران ساندیس خور جمهوری اسلامی دادند. آنان آمده بودند که بی آبرویی رژیم اسلامی را پشت مشتکی عکسهای فتوشاپ شده، پرونده سازیهای دروغین، اعتراف گیری زیر شکنجه اسلامی را تحت نام صلح دوستی و دموکراسی اسلامی به نمایش بگذارند. آنجا هم تروریستهای اسلامی با حضور انقلابیون، مجبور شدند دم شان را روی کولشان بگذارند و با حمایت پلیس پا به فرار بگذارند!

باید به این تروریستهای اسلامی گفت که نجات جمهوری اسلامی دیگر ممکن نیست! جمهوری اسلامی رفتنی است و مطلق هیچ نیروی، هیچ دستگاه ارتجاعی، هیچ سازمان، نهاد و نیروی سرکوبی قادر نخواهد بود. این نظام فاشیستی را از سرنگونی انقلابی مردم ایران نجات دهد.

توده انقلابی ایران به رهبری طبقه کارگرش، در امسال و در سرآغاز پایان پاندمی کرونا، آمده است که بساط ارتجاع اسلامی،

اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

رهبر تراشی آلترناتیو راست علیه منافع کارگران و زحمتکشان را خنثی و منزوی میکنیم!

جنب و جوش ایران، اولاً می‌کوشد تکاپو و ترقلاهای ارتجاعی جناحهای مختلف بورژوازی، از جمله مشروطه خواهان و رضا پهلوی را خنثی و ناکام سازد، ثانیاً با اتکا به مبارزه و قدرت طبقه کارگر در پیوند با جنبشهای اجتماعی رادیکال تلاش می‌کند مبارزات درخشان جاری را به یک تحول انقلابی بنیادین و زیرو روکننده به نفع طبقه کارگر و محرومان جامعه سوق دهد. ما همگام و همدوش با طبقه کارگر و توده های زحمتکش ایران، ضمن به دست گرفتن پرچم و پلاتفرم انقلابی سرنگونی جمهوری اسلامی، به سهم خود نمیکذاریم تا باردیگر سرنوشت و مقدرات جامعه ایران بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی توسط امپریالیستها و آلترناتیوهای رنگارنگ و استثمارگر و سرکوبگر سرمایه و ثروت رقم بخورد.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

امضاها: سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری ایران-حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

۲۱ خرداد ۱۴۰۱ - ۱۲ ژوئن ۲۰۲۱

از مبارزات سراسری فرهنگیان و معلمان حمایت کنیم

شورای همکاری تشکلهای صنفی فرهنگیان و معلمان در اقلیت
اقلیتی و مبارزات تاکتونی خود بی عدم رسیدگی دولت و
مطالبات بر حق شان بازداشت شمارهای امنیتی و محاکمات
سازمانهای های صداوسیما برای روز پنجشنبه ۱۳ خرداد ۱۴۰۱
۱۵ صبح ۱۵:۰۰ تظاهرات سراسری نموده اند شورای همکاری
از کارگران گفته اند ما می ایستیم با شکوه می ایستیم همه می ایستیم

در ایران طوفانی در راه است

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست از جنبش بر حق فرهنگیان و معلمان برای نان، معیشت و آزادی حمایت می‌کند و از کارگران و همه آزادیخواهان می‌خواهد که از مبارزات آنان برای تحقق مطالبات برحق و انسانی شان حمایت کنند. زنده باد آزادی، برابری و رفاه همگانی. حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست ۱۴ ژوئن ۲۰۲۲

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

با گسترش جنبش سرنگونی و درشرایطی که جنبش کارگری و جنبشهای اجتماعی رادیکال، همانند جنبش فرهنگیان و معلمان و بازنشستگان و جنبشهای اعتراض توده ای برای نان و آب و فداکاری و ابتکارات مبارزاتی، تناسب قوا را به نفع مبارزه نهایی برای سرنگونی کلیت جمهوری اسلامی تغییر داده اند. درشرایطی که کارگران و زحمتکشان، یعنی اکثریت جامعه بر علیه نظام استثمارگر و ستمگر حاکم به پا خواسته اند تا با سرنگونی انقلابی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی سرنوشت خود را در دست گیرند.

اپوزیسیون راست با بسیج رسانه هائی که توسط دول امپریالیستی و دول مرتجع منطقه تامین مالی میشوند، در راستای برجسته کردن آلترناتیو بورژوازی و ضد کارگری و سد کننده تحول انقلابی به تقلا افتاده است.

مانورهای روزهای اخیر رضا پهلوی در این چهارچوب است و او که اخیراً متوجه شده "رژیم رفتنی است" لایه های مختلفی از مشروطه خواه و جمهوریخواه را جلو انداخته اند، تا به زعم خود "رهبری" را برای "جنبش" تامین کنند. اپوزیسیون راست و ارتجاعی، علاوه بر پاشنه آشیل شکافهای درونی خود، نمی خواهند بپذیرند، که دوران "رهبری همه با همی" دیگر بسر آمده است. این درس بزرگی است که طبقه کارگر و کمونیستها از شکست تجربه انقلاب ۵۷ به دست آورده اند و روشن است که اینبار با تمام ابتکار و توان نخواهند گذاشت حاصل پیشروی و پیروزی انقلاب پیش روی کارگران و مردم ایران همانند سال ۵۷ به حاکم شدن آلترناتیو بورژوازی جمهوریخواه یا مشروطه خواه و یا ملغمه ای از هر دو در فردای سرنگونی جمهوری اسلامی منجر شود.

ما به عنوان بخشی از جنبش چپ و کارگری و کمونیستی تردیدی نداریم که اپوزیسیون بورژوازی بنا به ماهیت سرمایه دارانه و ضد کارگری و ضد کمونیستی خود با گسترش اعتراض و اوج گیری خیزش انقلابی توده کارگرو زحمتکش و خیز برداشتن برای تعیین تکلیف نهایی با رژیم جمهوری اسلامی به شیوه های مختلف با مانورهای فریبکارانه، رنگ عوض کردن-های مقطعی و انواع توطئه و ترفندهای شناخته شده و کودتایی و اتکا به قدرتهای امپریالیستی و حمایت غرب، پول و اسلحه و تبلیغات رسانه ای میخواهند خود را به جامعه تحمیل بکنند.

اکنون و در این کشمکش طبقاتی ما به عنوان احزاب چپ و کمونیست و مدافع آزادی و سوسیالیسم و نیز از منظر دفاع از منافع طبقه کارگر، ضمن افشای اهداف طیفهای مختلف اپوزیسیون بورژوازی و منزوی کردن آنها، با قدرتمند کردن آلترناتیو کارگری و چپ مجدانه میکوشیم، مسیر تحولات سیاسی به برقراری دولتی کارگری و شورایی منجر شود.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست به عنوان بخشی از آلترناتیو چپ و کمونیست با آگاهی از شرایط متحول و پر

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی ...

طولی نکشید که وعده‌ها فراموش و مشخص شد که سیاست «جراحی اقتصادی» ادامه‌ی سیاست دولت‌های پیشین است و به جای کاهش شکاف طبقاتی و فقر، سفره ما معلمان و سایر دست‌مزدبگیران را هدف گرفته‌است، به‌گونه‌ای که طبقه‌ی متوسط را با سرعتی وصف ناشدنی، به زیر خط فقر کشانده‌اند.

در چنین شرایطی، کارمند، کارگر، معلم شاغل و بازنشسته توان مقابله با تورم لجام‌گسیخته را از دست داده و هر روز قدرت خریدشان کمتر و به‌تبع سفره‌شان کوچک‌تر می‌شود و به‌ناچار، مطالبات خود را از طریق تجمعات اعتراضی و با فریاد دادخواهی و حق‌طلبی در کف خیابان طلب می‌کنند.

جای تاسف است که، کاربدستان، به‌جای شنیدن فریاد اعتراض مردم به‌سویه‌آمده، با خشونت ورزی‌تمام با آن‌ها مقابله می‌کنند. گویی هنوز باور نمی‌کنند که مردم، از #فقر و #فرق، به ستوه آمده‌اند.

در حوزه‌ی آموزش و پرورش، علاوه بر کاهش چشمگیر سهم آموزش و پرورش از درآمد ناخالص ملی، اصل سی‌ام قانون اساسی را زیر پا گذاشته و حقوق سیزده میلیون دانش‌آموز را تضییع نموده‌اند.

چهارده‌سال از تصویب قانون مدیریت خدمات کشوری می‌گذرد، همسان‌سازی حقوق بازنشستگان به انحای مختلف اجرا نمی‌شود، قانون رتبه‌بندی شاغلان گویی هیچ‌گاه اجرا نخواهد شد و... این موارد و مواردی از این‌دست، ظلم مضاعف در حق جامعه‌ی معلمان کشور است، فرهنگیانی که صادقانه، توان خود را با عشق به فرزندان این آب و خاک، صرف کرده‌اند. مگر معلمان، چیزی فراتر از حق خود و دانش‌آموزان طلب کرده‌اند؟

از دیگر سو، صدا و سیما، در حرکتی پیش‌پا افتاده و غیر قانونی، با زیر پا گذاشتن اصول ۳۷ و ۱۰۵ قانون اساسی و برای به‌انحراف کشاندن ذهنیت عموم مردم، در جهت تخریب چهره‌ی معلمان نموده و به ایزاری برای فرار دولت و مجلس، از زیربار مسئولیت اجرای قانون، دست به سناریوسازی نخنما، تبدیل شده‌است.

دست‌اندر کاران، به‌جای پاسخگویی و حل مشکلات مبتلابه آموزش و پرورش، موجودیت خود را در گرو ناپسامانی‌هایی خودساخته و پاک کردن صورت مساله می‌بینند. غافل از این‌که جنبش معلمان ایران، بدون هیچ نوع وابستگی داخلی و خارجی، با اصالت و حفظ استقلال، مطالبات معلمان و دانش‌آموزان را پیگیری کرده و خواهد کرد.

فرهنگیان شریف و ملت گرانقدر!

همانطور که اطلاع دارید، اخیراً تعدادی از بهترین معلم‌های این سرزمین به ناحق، بدون هیچ‌گونه سند و صرفاً برای خاموش کردن شعله‌ی حق‌طلبی معلمان کشور، بازداشت کرده و نزدیک به دو ماه است که بدون دسترسی به وکیل، به شدیدترین شکل، تحت فشار اند که علیه خود دست به اعتراف بزنند و به

تجمعات سراسری و گسترده معلمان علیرغم حاکم کردن جو امنیتی

روز پنجشنبه ۲۶ خرداد به فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران در بسیاری از شهرهای ایران از جمله شیراز، قزوین، کرج، مریوان، سقز، رشت، مشهد، زنجان، اندیمشک، بوکان، خمینی شهر، نجف آباد، سنندج، خرم آباد، اسلام آباد غرب، کرمانشاه و غیره معلمانان علیرغم تهدید و ایجاد فضای رعب و وحشت اقدام به تجمع کردند و شعارهای "معلم به‌پا خیر برای رفع تبعیض، معلم زندانی آزاد باید گردد، وزیر بی لیاقت استعفا استعفا!".

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران اعلام کرده‌اند که بیش از یکصد معلم در شهرهای مختلف بازداشت و زندانی شده‌اند. در شیراز ۶۰ معلم، در شهرهای کردستان حدود ۳۰ معلم، در قزوین ۱۰ معلم و در رشت ۶ معلم، در سقز از روز چهارشنبه ۲۵ تا پنجشنبه ۲۶ معلم بازداشت و اکنون در زندان سقز بسر می‌برند.

برگزاری تجمع معلمان در شهر سنندج با وجود امنیتی کردن مکان تجمع

علیرغم حجم بالای تهدیدهای تلفنی، احضار و حتی بازداشت‌هایی که از دیروز توسط نیروهای امنیتی انجام گرفته‌است، معلمان بااراده‌ای آهین، برای احقاق حقوق به‌عمد فراموش شده‌ی خود و دانش‌آموزانشان، در محل تجمع در شهرهای مختلف حاضر شده‌اند. خبرها حاکیست که حضور نیروهای امنیتی در اطراف محل تجمع، بسیار مشهود است.

حضور سنگین نیروهای امنیتی در تهران

براساس گزارش منتشر شده، روز پنجشنبه مقابل مجلس عملا حکومت نظامی ایجاد شده و استقرار گسترده نیروهای انتظامی و ماشین‌های ون صورت گرفت.

#قطعنامه پایانی تجمع سراسری #شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران،

پنج‌شنبه بیست و ششم خرداد هزار و چهارصد و یک، همکاران فرهیخته، مردم آگاه ایران، اولیای محترم دانش‌آموزان!

کمتر از یک سال پیش، وعده‌هایی پر رنگ و لعاب، از زبان رییس‌جمهور محترم از تلویزیون پخش شد:

__ معیشت مردم به مذاکرات هسته‌ای گره نخواهد خورد.

__ در اقتصاد رشد پنج درصدی خواهیم داشت.

__ سالانه یک میلیون شغل و یک میلیون واحد مسکونی ایجاد خواهد شد.

__ نرخ بیکاری کاهش خواهد یافت

__ فقر مطلق به سرعت ریشه‌کن خواهد شد.

ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی ...

این شکل معلمان کشور را، از پیگیری مطالبات، دل‌سرد نمایند، غافل از اینکه:

از آن به دیر مغنم عزیز می‌دارند

که آتشی که نمیرد، همیشه در دل ماست

جنبش معلمان ایران در طول دو دهه فعالیت، برای اجرای عدالت با استفاده از ظرفیت‌های داخلی و مستقل و تبیین اندیشه‌های علمی، عدالتخواهانه و مطالبه محور توانسته‌است هزاران معلم دادخواه و کنشگر را وارد عرصه‌ی مطالبه‌گری و حق‌خواهی نماید، بی‌شک با زندانی کردن تعدادی از کنشگران خوش‌نام، نمی‌توان این حرکت را عقیم و ناکارآمد ساخت، بلکه بر عکس، از خاکستر این فشارها، تهدیدها و به حبس کشیدن‌ها، ققنوس‌های جوان، تازه نفس و با انگیزه، برخوانند خاست و این راه را تا سر منزل مقصود ادامه خواهند داد!

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، ضمن ابراز اعتراض به رویه‌ی بازداشت‌ها و اعمال فشار و ارباب بر جامعه‌ی صنفی و مطالبه‌گری، از متولیان امر و دست اندرکاران می‌خواهد که با آزاد کردن معلمان زندانی، از جامعه‌ی فرهنگیان کشور دلجویی نمایند.

ما به دولت و حاکمیت، وظایف قانونی داخلی و بین‌المللی را که نسبتاً به آن‌ها تعهد داده‌است را یادآوری می‌کنیم و منتظر اقدامات عملی در جهت برچیده شدن تفکر سرکوب‌گرانه در برخورد با فعالان صنفی و سایر معترضین هستیم.

ما دولت‌مردان و مجلس‌نشینان را به عقلانیت، منطق و قانون توصیه می‌کنیم و معتقدیم اگر خلاف این رویه عمل نماید، به مصداق شعر سعدی:

یکی بر سر شاخ، بُن می‌برید...

علاوه بر سست کردن پایه‌های حکومت، اعتماد مردم را نیز، از دست خواهد داد.

این شورا با تاسی از آرمان‌ها، تفکرات حق‌خواهانه و فراگیر معلمان کشور و به پشتوانه‌ی تشکل‌های صنفی مستقل و ریشه‌دار، از تمام ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های اعتراضی، برای برآورده شدن مطالبات معلمان و دانش‌آموزان، اقدام خواهد کرد.

در پایان اهم خواسته‌های فرهنگیان کشور را با صدای بلند و اعلام می‌کنیم:

- مختومه کردن پرونده‌ی کنشگران صنفی و آزادی هر چه زودتر معلمان زندانی: #اسماعیل_عبدی #اسکندر_لطفی #رسول_بدایق #محمد_حبیبی #جعفر_ابراهیمی #شعبان_محمدی
- #محمدعلی_زحمتکش
- #غلامرضا_غلامی_کندازی
- #مژگان_باقری #هاله_صفرزاده
- #عزیز_مرزی
- #احمد_قادری
- #کیوان_محمدی
- #خالد_عبداللهی
- #محمد_فتاحی
- #ظاهر_قادر_زاده
- #سلیمان_عبدی
- #عزیز_مرزی
- #احمد_قادری
- #کیوان_محمدی

#اصغر_امیرزادگان

#محمد_عالیشوندی #حمید_عباسی

#ناصر_موسوی #ایرج_رهنا

#عبدالرزاق_امیری #مهدی_فتاحی #بهنام_محمدی #جبار_دوستی

#هاشم_خواستارد #جواد_لعل_محمدی

#محمدحسین_سپهری و...

۲_ اجرای کامل رتبه‌بندی معلمان، همسان‌سازی حقوق فرهنگیان بازنشسته.

۳_ اجرای اصل سی‌ام قانون اساسی

۴_ برچیدن آموزش پولی و جلوگیری از کالایی سازی آموزش

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران

۲۶ خرداد ۱۴۰۱

#لیست_به‌روز_رسانی_شده از بازداشت گسترده‌ی معلمان

پس از اعلام عمومی فراخوان شورای هماهنگی برای تجمع سراسر فرهنگیان ایران، نهادهای امنیتی، همچون گذشته دست‌به‌کار شده و به جای حل مساله، روش قدیمی پاک کردن صورت مساله را در پیش گرفتند.

بر همین مبنا از روز چهارشنبه ۲۵ خرداد ماه یک روزمانده به تجمع اعتراضی سراسری معلمان در سراسر کشور و روز پنج‌شنبه ۲۶ خرداد ماه وزارت اطلاعات و اطلاعات سپاه، سراسیمه و دست‌پاچه، تعدادی از فعالان صنفی معلمان را در شهرهای مختلف بازداشت نمودند تا به زعم خود مانع شکل‌گیری تجمع شوند

اسامی این عزیزان به شرح زیر می‌باشد:

انجمن صنفی معلمان #گیلان:

#محمودصدیقی_پور

#عزیز_قاسم_زاده

#جواد_سعیدی

#انوش_عادل

برخی از خیرها حاکی از این است که ۲ همکار خانم هم در تجمع گیلان بازداشت شده‌اند که اطلاع دقیقی از آن‌ها در دست نیست.

انجمن صنفی معلمان #کردستان_سقر و زیویه:

#خالد_عبداللهی

#محمد_فتاحی

#ظاهر_قادر_زاده

#سلیمان_عبدی

#عزیز_مرزی

#احمد_قادری

#کیوان_محمدی

ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی ...

توضیح اینکه خانم بداقی در تجمع صنفی گیلان/رشت شرکت داشتند که بعد از تجمع و در مسیر بازگشت به منزل بازداشت شده‌اند.

کانون صنفی فرهنگیان #قزوین

#محمد رضا بهنام نژاد

#علی صادقی نژاد

#محمود صابونی

#محمود زمانی

#آقای صیادی

#حمید فرخ امینی

#آقای فتخاری

و خانم‌ها #رزنی #کاظمی

تا این لحظه هویت نفر دهم بازداشت شده، مشخص نشده‌است.

انتقال معلمان زندانی به تک سلولی:

آقایان رسول بداقی، محمد حبیبی و جعفر ابراهیمی معلمان زندانی را از بند عمومی به تک سلولی انتقال داده‌اند.

اسکندر لطفی فعال صنفی معلمان از مریوان به شهر نامعلومی منتقل شد - وکیلش می‌گوید جان او در خطر است

«صالح نیکبخت» وکیل معلم زندانی، «اسکندر لطفی» با انتشار توییتی از انتقال نگران کننده موکلش به شهری نامعلوم خبر داد.

آقای نیکبخت در اکانت توئیتر خود نوشت؛ موکل «اسکندر لطفی» معلم که نه روز پیش اعتصاب غذا کرده است، از مریوان به شهر نامعلومی منتقل شده و جاننش در خطر است. اسکندر لطفی در روز اول می به دلیل فعالیت های صنفی خود همراه با مسعود نیکخواه و شعبان محمدی توسط نهاد های امنیتی بازداشت شد. این فعالین صنفی هنگام بازداشت از سوی نهاد های امنیتی برای اعتراف گیری اجباری شکنجه شده اند.

تجمع کشاورزان اصفهان در اعتراض به عدم تخصیص حقاچه

شماری از کشاورزان شهرستان لنجان و زرین شهر اصفهان، روز پنجشنبه ۱۹ خرداد ماه، مقابل ساختمان فرمانداری این شهر تجمع اعتراضی برپا کردند. کشاورزان نسبت به عدم تخصیص حقاچه کشاورزی و خشک شدن اراضی و محصولات خود اعتراض دارند. آنها با توجه به بحران کمبود آب و تنش‌های آبی در استان اصفهان، ضمن برپایی تجمع خواهان رسیدگی مسئولان به مطالبات خود شده‌اند.

تجمع اعتراضی رانندگان بازنشسته شرکت واحد مقابل سامانه ۳ اتوبوسرانی شرکت واحد

روز ۲۲ خرداد ماه ۱۴۰۱ جمعی از رانندگان بازنشسته خطوط بی آر تی در اعتراض به عدم واریزی حق بیمه سخت و زیان آور (چهار درصد) و پرداخت کامل حق سنوات، دست به تجمع اعتراضی زدند.

تجمع اعتراضی مقابل اداره برق تهرانپارس

روزیکشنبه ۲۲ خرداد، جمعی از شهروندان تهرانی مقابل اداره برق تهرانپارس تجمع کرده و شعار می دهند؛ «آب، برق،

#حسین محمدی

#لقمان اله مرادی

#خالد شیخی

#انور فرج زاده

#صلاح‌الدین حسینی

#قادر پیرابی

#مرضیه طلایی

#زاهد مرادی

#آمانج امینی

#زاهد مرادی

#انور فرج زاده

#آوات رضوی

#اسماعیل ریحانی

کانون صنفی معلمان #خمینی شهر:

#ستار زارعی

#سیدمجتبی ابطی

#روح الله قدیمی

انجمن صنفی معلمان #کردستان مریوان:

#تحسین مصطفی

#سیوان سلیمانی

#آرام محمدی

#آرام قادری

انجمن صنفی معلمان #کردستان دیواندره:

#هیا قریشی

#کاوه محمدزاده

#امیدشاه محمدی

#عثمان رضایی

#پرویز احسنی

انجمن صنفی معلمان #کردستان سنندج:

#صلاح حاجی میرزایی

کانون معلمان #خوزستان

#کوکب بداقی

ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی ...

اراک

روز سه‌شنبه ۲۴ خرداد اغذیه فروشان و عمده فروشان مواد غذایی اراک در مقابل اداره کل امور مالیاتی در اعتراض به سیاست‌های مالیاتی دولت تجمع اعتراضی برگزار کردند.

تجمع اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی با خروش شعار مرگ بر رئیسی در سراسر کشور

از روزهای شنبه ۲۱ خردادماه ۱۴۰۱ مجدداً جمعی از بازنشستگان تأمین اجتماعی شهرهای زنجان، کرمان، مشهد، اهواز، شوشتر، بندرعباس، کرمانشاه، تبریز، ارومیه، اردبیل، قزوین، دزفول، گیلان، شوش، کرج، اراک، اصفهان، خرم‌آباد، شیراز، تهران و دیگر شهرها مقابل ساختمان‌های اداره‌های کار، ادارات تأمین اجتماعی و استانداری‌های این استانها دست به تجمع زدند. همچنین در واکنش به این تجمعات شاهد حضور گسترده و سنگین نیروهای انتظامی در مقابل ادارات تأمین اجتماعی برای ممانعت از تجمع بازنشستگان بودیم.

این بازنشستگان تأمین اجتماعی نسبت به مصوبه روز ۱۵ خرداد هیأت وزیران مبنی بر افزایش ۱۰ درصدی حقوق بازنشستگان غیرحداقل‌بگیر اعتراض خود را ابراز داشتند. بازنشستگان و مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی خواهان افزایش حقوق به میزان نرخ واقعی سبد معیشت هستند اما دولت حتی مصوبه شورای عالی کار مبنی بر افزایش ۳۸ درصدی برای غیرحداقل‌بگیران را نیز زیر پا گذاشته است.

مطالبات بازنشستگان و مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی.

۱- ابطال فوری مصوبه خلاف قانون هیئت دولت درباره افزایش ده درصدی سایر سطوح.

۲- لازم الاجراء بودن تصمیمات شورای عالی کار بدون تصویب در هیئت دولت

۳- اجرای صد درصد هم‌سان سازی و پرداخت معوقات از سال ۹۹-۹۹

۴- افزایش حداقل حقوق بالاتر از خط فقر، اعمال ضریب زمان بازنشستگی برای سایر سطوح و ترمیم حقوق‌ها براساس سبد معیشت و تورم.

۵- تشکیل صندوق حمایتی مجزا با بودجه دولتی برای گروه‌های حمایتی

۶- تصویب قانونی برای جلوگیری از دست‌اندازی و استقراض دولت‌ها از صندوق سازمان تأمین اجتماعی و پرداخت عاجل بدهی‌های دولت به صندوق با اعمال دیرکرد.

۷- نظارت واقعی بازنشستگان به دارایی‌های صندوقها و گزارش شفاف و کامل آن در عرصه عمومی.

تجمع اعتراضی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس در اعتراض به وضعیت فاجعه‌بار صنفی و رفاهی

روز دوشنبه ۲۳ خرداد دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس در اعتراض به وضعیت نامطلوب صنفی و رفاهی و عدم توجه مسئولین دانشگاه نسبت به این وضعیت در مقابل ساختمان مرکزی این دانشگاه دست به تجمع زدند.

صفحه ۱۹

زندگی، حق مسلم ماست»

کارگران شرکت‌های پیمانکاری مجتمع مس سونگون دست به اعتصاب زدند

یکشنبه ۲۲ خردادماه ۱۴۰۱، کارگران شرکت‌های پیمانکاری آجین، نوآوران، اولنگ و تأمین نیرو در اعتراض به عدم تحقق خواسته‌های‌شان دست به اعتصاب زدند. این کارگران که سال گذشته نیز با مطالبه‌ی افزایش دستمزد و اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل چندین بار دست به اعتصاب زده بودند، با وعده‌ی اجرای طبقه‌بندی از اول سال ۱۴۰۱ به اعتراضات‌شان خاتمه داده بودند که با خلف وعده‌ی کارفرما و پیمانکاران امروز مجدداً اعتراض‌شان را از سر گرفتند.

کارگران شرکت‌های پیمانکاری حدود شش ماه است که قراردادهای جدید هم برای‌شان منعقد نشده است و مدیران شرکت‌ها و مجتمع اعلام کرده بودند که دستمزدها بر مبنای اجرای واقعی طبقه‌بندی مشاغل واریز خواهد شد که پس از واریز حقوق، تفاوت بسیار زیادی نسبت به نرخ‌های اعلامی وجود داشت. لازم به ذکر است که سیاست مدیریت مجتمع به شکلی بوده که کارگران شرکت‌های مختلف هم به صورت یکسان حقوق دریافت نکنند تا مانع از اتحاد آنها برای دست زدن به اعتراض گردند.

تجمع اعتراضی کارگران شرکت‌های تولی پرس و بسته‌بندی البرز

روز پنجشنبه ۲۶ خردادماه ۱۴۰۱ کارگران شرکت‌های تولی‌پرس و بسته‌بندی البرز در اعتراض به عدم پرداخت حقوق‌ها مقابل فرمانداری شهر الوند در استان قزوین تجمع کردند. این کارگران چند روز پیش نیز در محوطه شرکت تجمع کرده بودند و کارفرما وعده پرداخت حقوق تا روز چهارشنبه را اعلام کرده بود که با خلف وعده مدیریت، امروز تجمع خود را به مقابل فرمانداری کشاندند. شرکت‌های تولی پرس و بسته‌بندی البرز زیرمجموعه هلدینگ داروگر با مالکیت شخصی به اسم بیژن اسماعیلی است و در شهرک صنعتی البرز استان قزوین واقع شده است و در مجموع حدود ۳۵۰ کارگر دارد. این کارگران سه و چهار ماه حقوق معوقه پرداخت نشده دارند.

تجمع اعتراضی مادران پزشک به همراه کودکان خود مقابل وزارت بهداشت

مادران پزشک در اعتراض به مستثنی شدن خود از ذیل ماده ۲۷ جوانی جمعیت که در آن حق اشتغال در محل زندگی خود را داشتند و در اعتراض به کار اجباری در مناطق دور از محل زندگی و مشکلات بسیار ناشی از آن در حین بارداری و پس از آن و همچنین آسیب جسمی و روانی ناشی از دوری مادر برای فرزندان خود در مقابل وزارت بهداشت تجمع کردند.

تجمع اعتراضی اغذیه فروشان و عمده فروشان مواد غذایی

کارگران، کمونیست‌ها، به حزب حکمتیست پیوندید!

ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی ...

سفره خالی بازنشستگان تامین اجتماعی ایلام مقابل استانداری

در ادامه اعتراضات بازنشستگان به عملی نشدن وعده های دولت در خصوص میزان و نحوه دریافت های خود، تعدادی از آنان روز شنبه ۲۱ خرداد با پهن کردن سفره خالی در مقابل استانداری ایلام تجمع کرده و خواستار احقاق حقوق خود شدند.

گردهمایی تشکل‌های کارگری ایرانی، فرانسوی و سوئیسی در حمایت از کارگران و معلمان ایران

حامیان حقوق کارگران و معلمان ایران همزمان با نشست سالانه سازمان جهانی کار، به دعوت چندین سندیکای کارگری فرانسوی و سوئیسی و تشکل‌های کارگری مستقل ایرانی در خارج کشور در ژنو دست به تجمع زدند.

تجمع بیماران خاص در مقابل وزارت بهداشت

سه‌شنبه ۲۴ خرداد ۱۴۰۱، گروهی از بیماران خاص و خانواده‌هایشان، در اعتراض به کمبود و گرانی دارو مقابل وزارت بهداشت تجمع برگزار کردند.

اقدام به خودسوزی دو کارگر اخراجی پتروشیمی فارابی بندر ماهشهر

بنابر گزارش‌های منتشرشده، دو تن از پرسنل شرکت پتروشیمی فارابی بندر ماهشهر اقدام به خودسوزی کرده‌اند. این اقدام در اعتراض به اخراج آنان از کار پس از سه سال سابقه فعالیت در این شرکت صورت گرفته است. گفته می‌شود، این دو شخص در پی مداخله به موقع همکاران این مجموعه، متحمل آسیب جدی نشده‌اند. متأسفانه این اولین بار نیست که کارگران به جای مبارزه جدی و با بردن آستینها و اعتراض علیه بانیان وضع موجود دست به خودزنی و یا خودکشی می‌زنند.

مرگ یکی از کارگران در پتروشیمی بوشهر

روز یکشنبه ۲۲ خردادماه ۱۴۰۱ یکی از کارگران پایبینگ شاغل در پتروشیمی بوشهر به نام عباس منصوری بر اثر سقوط گریپینگ و اصابت به سر وی جانباخت. ما درگذشت عباس منصوری را به بازماندگان و همکاران او در پتروشیمی بوشهر تسلیت می‌گوییم. این واقعه دلخراش یکبار دیگرما کارگران را بر فشار بیشتر به صاحبان کار برای تامین ایمنی محیط کار فرا میخواند.

انفجار مهیب در یک کارخانه در استان فارس

ساعت ۱۳:۱۷ روز ۲۳ خرداد ماهکارخانه تولید کربنات سدیم شهرستان فیروزآباد انفجار رخ داد. وقوع حادثه آتش سوزی کارخانه فیروزآباد ۱۳۰ مصدوم به دنبال داشت. مصدومان حادثه به بیمارستان منتقل شدند و وضعیت عمومی مصدومان مطلوب است. تاکنون موردی از فوت ناشی از این حادثه گزارش نشده است.

آنچه نهادهای دولتی از آن هیچ صحبتی نمیکند وضعیت

مصدومان در شیراز است. علیرغم اینکه خودشان هم اعزام کارگران به شیراز را تایید کرده‌اند، اما تمامی مانورشان بر روی سلامت مصدومان بیمارستان فیروزآباد است بدون کوچکترین اشاره‌ای به بیمارستان‌ها و مصدومان شیراز.

حکم دو ماه حبس پدر و برادر فرزند انصاری فر تایید شد و طی ده روز باید خود را تحویل زندان بدهند.

برای یادآوری: فرزند ۲۷ ساله را در آبان ۹۸ با گلوله‌ی جنگی کشتند و به پدر و برادرش صرفاً بخاطر دادخواهی خون عزیزشان حکم حبس داده‌اند.

بیش از ۳۰ روز انفرادی برای آئی‌شا اسداللهی، مترجم و حامی حقوق کارگران

مادر آئی‌شا اسداللهی بالاخره با او ملاقات کوتاهی است. بنا به گفته اعضای خانواده، روحیه آئی‌شا خوب است و به بازداشت‌اش اعتراض دارد اما هنوز در انفرادی بهسر می‌برد. او گفته بازجویی‌ها هنوز تمام نشده‌اند. آئی‌شا همراه با همسرش کیوان مهدی، مترجم و عضو کانون نویسندگان یک ماه پیش دستگیر شد.

وحید باقری زندانی سیاسی

وحید باقری زندانی سیاسی پس از گذشت سی و چهارروز اعتصاب غذا به دلیل عدم رسیدگی مسئولین نسبت به وضعیت وی بیهوش شد و پس از اعزام به بهداری زندان به علت شرایط بد جسمی به بیمارستان لقمان تهران منتقل شد. وی پس از ساعاتی مجدداً به زندان منتقل گردید.

ناصر موسوی بازداشت شد

ناصر موسوی بازرس انجمن صنفی معلمان فارس در شیراز توسط اداره اطلاعات شیراز بازداشت شد. شایان ذکر است از سه روز پیش خبری از ناصر موسوی در دست نبود و روز شنبه ۲۱ خرداد مشخص شد که او توسط اداره اطلاعات بازداشت شده است.

قرار بازداشت رضاشهبایی یک ماه دیگر تمدید شد

قرار بازداشت رضا شهبایی از اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه که ۲۲ اردیبهشت ماه توسط عوامل اطلاعاتی در منزلش بازداشت شده بود برای یک ماه دیگر تمدید گردید. بنابر اطلاعیه سندیکای شرکت واحد، در پیگیری امروز ۲۲ خرداد ماه ربایه رضایی همسر رضا شهبایی که به دادرسی اوین مراجعه کرده است، به ایشان گفته‌اند تحقیقات تمام نشده است و قرار بازداشت یک ماه دیگر تمدید شده است.

ملیحه جعفری جهت تحمل حبس راهی زندان اوین شد

ملیحه جعفری دانشجوی دانشگاه تهران و از بازداشت شدگان اعتراضات آبان ۹۸، روز یکشنبه ۲۲ خرداد پس از حضور در شعبه ۱ اجرای احکام دادرسی اوین، جهت تحمل دوران محکومیت خود به زندان اوین منتقل شد. او پیشتر توسط دادگاه انقلاب تهران به شش ماه حبس و مجازات‌های دیگر از جمله رونویسی کتاب‌های مذهبی محکوم شده بود. خانم جعفری پیشتر در تاریخ ۱ خردادماه امسال با دریافت ابلاغیه‌ای، جهت اجرای حکم حبس به شعبه ۱ واحد اجرای احکام دادرسی اوین به ریاست قاضی امیرحسین تاربان احضار شده بود.

با وجود گذشت بیست‌روز از تعیین و تودیع وثیقه یک‌میلیاردتومانی، بازداشت موقت ریحانه انصاری نژاد

ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی ...

بدون هیچ توضیحی وارد ماه دوم شد!

همسر منیره عربشاهی، فعال مدنی محبوس در زندان کچویی کرج، طی پیامی ویدئویی، ضمن تشریح وضعیت وخیم جسمانی این زندانی و اعلام خبر انتقال وی به بیمارستان، خواستار اعزام همسر خود به مرخصی استعلاجی شد. آقای آریانی با اشاره به اینکه همسر وی پیشتر تحت عمل جراحی قرار گرفته، می‌گوید: علیرغم پیگیری‌های مکرر در خصوص اعزام همسر به مرخصی استعلاجی و اخذ گواهی تایید عدم تحمل کیفر، تاکنون نتیجه‌ای حاصل نشده است و از مسئولان می‌خواهم قبل از اینکه دیر شود، اقدامات لازم جهت رسیدگی پزشکی و آزادی خانم عربشاهی انجام گردد. منیره عربشاهی به همراه دخترش یاسمن آریانی، برای اتهام‌های "اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی" و "تشویق و فراهم نمودن موجبات فساد و فحشا"!!! به دلیل مخالفت با حجاب اجباری، هر یک به تحمل نه سال و هفت ماه حبس تعزیری محکوم شده‌اند.

نیروهای امنیتی عزیز قاسمزاده را بازداشت کردند

صبح روز پنجشنبه ۲۶ خرداد ماه، عزیز قاسمزاده، معلم و سخنگوی کانون صنفی فرهنگیان گیلان، قبل از آغاز تجمعات اعتراضی معلمان در رشت، توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد.

طبق گزارش منتشرشده، چندین تن از ماموران لباس شخصی پس از ضرب و شتم شدید آقای قاسمزاده، با کشاندن وی بر روی زمین، او را به داخل یک دستگاه آمبولانس منتقل کرده‌اند. طبق اخبار جدید، فعالان صنفی بازداشت شده در گیلان، آقایان #عزیز_قاسم_زاده #محمودصدیقی پور #انوش_عادلی #سعیدی #لاجوردی و #نهایی که در پلیس امنیت رشت بازداشت بودند، به دادرسی گیلان منتقل شدند.

سوم خرداد، شعبه‌ی دو بازپرسی دادرسی مقدس زندان اوین با قبول و ثبت سند یک باب منزل مسکونی (برابر با ارزش وثیقه‌ی تعیین‌شده)، اعلام کرد که این فعال کارگری در کوتاه‌ترین زمان ممکن آزاد خواهد شد؛ اما اکنون با نظر و اصرار بازجویان هنوز آزاد نشده است. روز بیست‌ویکم خردادماه دختر او همراه با وکیلش به دادرسی مقدس مراجعه کردند تا علاوه بر پیگیری آزادی‌اش، وکالت‌نامه‌ی رسمی وکیل را در شعبه‌ی دادرسی ثبت کنند اما به آنان حتا اجازه مراجعه به دفتر شعبه داده نشد. همانطور که اشاره شد، بازجو با اصرار بر ادامه‌ی بازداشت ریحانه و وارد نمودن فشار روانی بر وی به دنبال تحمیل و حُفته کردن اتهامات بی‌پایه و اساس به او است تا بتواند سناریوی نخنما و ازپیش‌تعیین‌شده‌اش را تکمیل نماید. ریحانه انصاری‌نژاد از درد مفاصل در ناحیه پا و کمر رنج می‌برد. و در تماسی خواسته تا در اسرع وقت پزشک معالج خود را ملاقات کند.

اعتصاب غذا مریم‌کریمی‌بیگی و انتقال وی به زندان اوین

مریم‌کریمی‌بیگی طی تماس تلفنی با خانواده اش از انتقال خود به بند دویست و نه زندان اوین خبر داده است. او گفته است دست به اعتصاب غذا زده است و به غیر از آب چیز دیگری نخواهد خورد. مریم کریم بیگی خواهر مصطفی کریم بیگی از جانب‌اختگان اعتراضات ۶ دیماه ۸۸ است که صبح روز سه شنبه با یورش ماموران وزارت اطلاعات ضمن تفتیش منزل و ضبط لوازم شخصی بازداشت شد. پیش از این در ماه‌های گذشته، ماموران به خانه او هجوم برده و لوازم شخصی او و مادرش را برده بودند. در ماه‌های اخیر مریم کریم‌بیگی بارها تحت بازجویی قرار گرفته و تهدید به اخراج از دانشگاه شده بود.

رضا مرادی بازداشت شد

رضا مرادی عضو هیئت مدیره انجمن صنفی معلمان کردستان/ سنندج ساعت ۲۱ روز سه‌شنبه ۲۴ خرداد مقابل منزل بازداشت شد. نیروهای امنیتی سپس به تفتیش منزل وی پرداختند

واله زمانی بازداشت شد

پس از چندین روز بی‌خبری خانواده از واله زمانی، روز چهارشنبه ۲۵ خردادماه ۱۴۰۱، وی با خانواده تماس کوتاهی داشته است و اعلام کرده که از روز ۹ خرداد از طرف نیروهای امنیتی در ارومیه بازداشت شده است و پس از ۳ روز به بند ۲۴۰ زندان اوین منتقل شده است. واله زمانی کارگر نقاش و از فعالین کارگری است که اخیراً به بیماری حاد کبدی و هپاتیت دچار شده بود و مورد عمل جراحی قرار گرفته بود. بازداشت واله زمانی در حالی صورت گرفته که او در شرایط بسیار وخیم جسمی قرار دارد و نیازمند پیگیری جدی درمانی و مصرف دارو است.

وضعیت سلامت منیره عربشاهی در خطر است

Stop the imperialist war, NOW!

حکمتیست
حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

کارگران، کمونیست ها، به حزب حکمتیست پیوندید!

آدرسهای تماس با حزب
کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

siavash_d@yahoo.com

دبیر کمیته مرکزی

جمال کامانگر

jamalkamangar@yahoo.com

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

hosienzade.r@gmail.com

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج

نادر شریفی

sharifi.nader@gmail.com

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

www.hekmatist.org

۱۴ خرداد ۱۴۰۱ - ۴ ژوئن ۲۰۲۲

گرامیداشت منصور حکمت



رهبر جنبش
کمونیسم کارگری

۱۹۵۱-۲۰۰۲

"هیچ زمان چون امروز شرایط برای تبدیل تئوری کمونیسم به یک نیروی مادی اجتماعی فراهم نبوده است. هیچ زمان چون امروز طبقه کارگر به کمونیسم و فقط به کمونیسم نیاز نداشته است. و هیچ زمان چون امروز شرایط مادی برای تبدیل کمونیسم به زنده ترین و قدرتمندترین جریان اعتراضی مهیا نبوده است. رشد و توسعه سرمایه داری، قدرت عظیم پروتاریا در تولید در مقیاس جهانی، ورشکستگی سیاسی تمام جریقی که کارگران را از انقلاب علیه کل نظم موجود بر حذر میداشتند همه گویای پتانسیل عظیم کمونیسم کارگری است!"

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

سر دبیر: سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

منشور کمونیست

سر دبیر در انتشار ورد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

سر دبیر این شماره کمونیست سعید یگانه

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری-حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی کنید.
آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

زنده باد سوسیالیسم!